



آشوربانی پال و پایان شاهنشاهی ایلام

مرادحسین پاپی بالاگریوه^۱، میرزامحمد حسنی^۲، مریم کلبادی‌نژاد^۳

۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲ استادیار گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. نویسنده مسئول: mirzamohamadhassani@iau.ac.ir

۳ استادیار گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله:
آشور و ایلام که می‌توان از آن‌ها با نام مهم‌ترین شاهنشاهی‌های هزاره سوم تا ۶۰۰ پ.م، یاد کرد، با اندکی پیش و پس، با هم زاده شده و باهم برافزادند. آنان بارها در ستیز با یکدیگر بودند که هیچ‌کدام نتوانستند دیگری را از تخت شاهنشاهی براندازند تا اینکه آشور-بانی‌پال، با رویارویی‌های مختلف با ایلام، از ۶۶۵ تا ۶۴۰ پ.م، پایان شاهنشاهی ایلام را در تاریخ به نام خویش نوشت. بنابراین مهم‌ترین مناسبات سیاسی- نظامی آشور و ایلام، باید به دوره آشور-بانی‌پال، نسبت داده شود. پادشاه آشور ابتدا در نخستین جنگ خود با ایلام با پادشاهی اور-تکی-ایشوشینک، شرکت کرد، سپس جنگ تل-توبا (تولیز) را به راه انداخت. جنگ سوم او با ایلام، جنگ در (بدره) نام گرفت و نیز با ایجاد مناسبات سیاسی- نظامی با تمریتیوی دوم و ایندی‌بی (پادشاهان ایلام)، چهارمین جنگ هم روی داد. وی در جنگ مدکتو (جنگ پنجم) و نیز آخرین جنگ (شوش)، توانست کار شاهنشاهی ایلام را یکسره نموده و در یک اقدام بی‌سابقه، پایتخت شهر شوش، مدکتو و دیگر شهرهای ایلام را ویران ساخت، پادشاه و جمعی از اشراف ایلام اسیر شدند و شاهنشاه آشور بر اریکه پیروزی نشست، ولی زمانی نگذشت که امپراتوری آشور نیز در رویارویی با اتحادیه‌ای به سرکردگی مادها که ایلامی‌ها نیز در آن نقش داشتند، شکست خورد و به پایان رسید. با این بیان سؤال اصلی تحقیق این است: مناسبات آشور و ایلام در دوره آشور-بانی‌پال، چگونه ترسیم می‌شوند که با توجه به پژوهش‌هایی که به روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته و در پیش آمد، نتیجه می‌گیریم، آشور-بانی‌پال طی شش جنگ، شاهنشاهی ایلام را برانداخت.	تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹ واژگان کلیدی: آشور-بانی‌پال هوبان-هالتاش سوم ایلام شوش سقوط ایلام مناسبات آشور و ایلام

* استناد: پاپی بالاگریوه، مرادحسین، حسنی، میرزامحمد، کلبادی‌نژاد، مریم (۱۴۰۴). آشوربانی پال و پایان شاهنشاهی ایلام. پیام باستان‌شناس، ۱۷ (۳۳)، ۳۸-۱۷.

۱. مقدمه

بدون تردید مهم‌ترین مناسبات آشور و ایلام را باید به پای دوره پادشاهی آشور.بانی‌پال،^۱ نوشت، چه‌اینکه در این زمان رویارویی‌ها و جنگ‌های مختلفی رخ داد که این رویدادها حکم به پایان یافتن شاهنشاهی ایلام دادند. پیش از آنکه در سال ۶۶۹ پ.م، آشور.بانی‌پال، بر تخت شاهنشاهی بنشیند، در کمتر از دوهزار سال، ایلام و آشور به‌عنوان دو رقیب قدرتمند دنیای باستان، همواره در برابر هم آرایش نظامی - گرفته و به جنگ پرداخته بودند ولی در دوره اسرحدون^۲ (پادشاه پیش از آشور.بانی‌پال)، بین دو شاهنشاهی روابطی مسالمت‌آمیز و از در آشتی، برقرار شد. آشور.بانی‌پال را تلاش بر این بود تا عهد نگشاید و پیمان نشکند، ولی آنچنان که منابع تاریخی نوشته‌اند، پادشاه ایلام عهد گسست و به آشور هجوم برد و بدین‌ترتیب نخستین رویارویی آشور.بانی‌پال با ایلام، نمایان می‌شود.

«پس از مرگ اسارهادون، آشور.بانی‌پال پادشاه آشور، به هنگام قحطی در ایلام برای اورتک، غله فرستاد تا ایلامی‌ها از گرسنگی رهایی یابند. به‌زودی پیوند دوستانه آشور و ایلام ازهم‌گسیخته شد. «در سال ۶۶۵ پ.م، اورتک ناگهان به سرزمین بابل یورش آورد و خود شهر بابل را مورد تهدید قرار داد (استولپر، ۱۳۸۹: ۹۹)».

آشور.بانی‌پال، برپایه این پیمان‌شکنی و نیز کینه‌ای که از پادشاهان گذشته ایلامی غارتگر آشور، به دل داشت، تاخت‌وتاز به ایلام را آغاز و طی کشمکش‌های مختلف که شش جنگ کامل در دل خود داشتند، در پایان، حدود سال ۶۴۲-۶۴۰ پ.م، ایلام ویران شد، از تختگاه شاهنشاهی برون گشت و زان‌پس به یک دولت محلی وابسته، بسنده کرد.

این پژوهش بر آن است تا طرح این پرسش که مناسبات سیاسی - نظامی آشور و ایلام در دوره آشور.بانی‌پال، چگونه ترسیم می‌شوند، با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای، جنگ‌ها و رخداد‌های وابسته به

آن‌ها را زیر این عناوین مورد بررسی قرار دهد:

۱. نخستین جنگ آشور.بانی‌پال و ایلام (اورتکی. اینشوشینک)^۳، که در آن حمله‌ی پادشاه ایلام دفع شد: «در زمانی میان ۶۶۹ و ۶۶۴ ق.م، آشور.بانی‌پال به لشکرکشی خود برای دفع حمله اورتک اقدام نمود (واترز، ۱۳۹۱: ۹۰)».

۲. دومین جنگ آشور.بانی‌پال با ایلام (جنگ تل.توبا،^۴ تولیز^۵): «این جنگ در محلی موسوم به تولیز، روی داد که شهری نزدیک شوش بود. قبلا ایلام یکی از سردارانش را برای مذاکره صلح فرستاد تا در این ضمن فرصت جمع‌آوری لشکر را پیدا کند. ولی پادشاه آشور ملتفت این معنا شده، فرستاده را بکشت و جنگ شروع شد و بسیاری از لشکریان ایلام به کارون ریخته شدند. تاومان،^۶ با آنکه دلیرانه می‌جنگید مجروح شد و در حین فرار به دست یکی از شاهزادگان فراری ایلام از پای درآمد و سر او را به نینوا فرستادند (مشکور، ۱۳۶۳: ۱۳۳)».

۳. جنگ سوم آشور.بانی‌پال با ایلام (جنگ در)، که ایلام در این جنگ نیز از آشور شکست خورد و پادشاه آشور بیش از پیش نسبت به تهاجم به ایلام جدی و حتی حریص شد. «در این میان سپاهیان ایلامی هوبان.نوگاش^۷ نزدیک در، متمرکز گردیدند اما نبردی که در پی آن با نیروهای آشور که نزدیک مانگیسی مستقر بودند در گرفت به شکست کامل ایلامیان انجامید (کمرون، ۱۳۸۷: ۱۴۵)».

۴. جنگ چهارم آشور.بانی‌پال و ایلام و مناسبات وی با تمریتو دوم^۸ و ایندبی‌بی^۹: «تمریتو، بر تخت سرزمین ایلام نشست... همانند اومنیگش، تمریتو رشوه‌هایی پذیرفت، او درباره (وضع) به‌روزی حضرت شاهانه من جويا نشد (سلامت حال مرا نپرسید). (او) به یاری شمش.شوم.اوکین، برادر بی‌وفا(یم) رفت و شتابان جنگ‌افزارهایش را از برای رزم با نیروهای من فرستاد. در پی آن عجزهایی که من رو به خدای آشور و خدای بانوی ایشتار کردم، آنان سوگ مرا پذیرا

3. Urtaki-Inshushinak

4. The Tel Toba War

5. Tawlis

6. TeOuman

7. Hoban-Nogash

8. Tammaritu II

9. Indabi-bi

۱. Aššur.bāni.pal - به آرامی: [اسرحدون](#)

۲. Aššur.aha.iddina-Esarhaddon - Asarxaddon

نظامی آشور.بانی پال با ایلام را نیز به طور طبیعی باید تمام شده دانست. نتیجه آنکه آشور.بانی پال، طی شش جنگ که ذکر آن‌ها گذشت، در پایان توانست شاهنشاهی ایلام را براندازد.

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

ایلام مهم‌ترین پادشاهی ایرانی پیشاآریایی و آشور مهم‌ترین شاهنشاهی جهان باستان در روزگار پادشاهی آشور.بانی پال، است. پس نمایش مناسبات بین آن‌ها، به‌ویژه مناسبات سیاسی، نظامی، مهم ارزیابی می‌شود و ضرورت دارد. ضمن آنکه این رخدادها به نوعی منجر به پایان هر دو شاهنشاهی به فاصله کمتر از ۴۰ سال شد که به نظر می‌رسد، در تاریخ، رویدادی یگانه است.

۳. روش پژوهش

روش تحقیق این مقاله، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. داده‌های لازم از طریق مطالعه و بررسی منابع دست اول، از جمله کتیبه‌ها و سالنامه‌های دوران آشور نو، به‌ویژه کتیبه‌ها، سالنامه‌ها و نقش‌برجسته‌های آشور.بانی پال و همچنین منابع دست دوم، شامل مهم‌ترین کتب و مقالات معتبر منتشر شده به زبان‌های فارسی و انگلیسی در حوزه تاریخ بین‌النهرین و ایلام باستان، استخراج شده‌اند. پس از فیش‌برداری و موضوع‌بندی داده‌ها، رویدادهای تاریخی با رویکردی تحلیلی و با هدف واکاوی علل و عوامل و ارائه روایتی منسجم از مناسبات سیاسی - نظامی ایلام و آشور در دوره پادشاهی آشور.بانی پال، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۴. آشور.بانی پال، هم‌زمانی‌های با پادشاهان

ایلامی

آشور.بانی پال، را که «آشور.بنی‌پل» نیز نوشته می‌شود، می‌توان از مهم‌ترین و شاید از یک نگاه مهم‌ترین و البته نامدارترین پادشاه تاریخ شاهنشاهی آشور خواند. آخرین فرمانروای مقتدر آشوریان بود که جانشین پدرش (اسرحدون) شد. از ۶۶۹-۶۲۷ پ.م، به مدت ۴۲ سال بر

شدند و به اظهارات لبان من گوش سپردند. بندگان تمریتو، بر او شوریدند و با یکدیگر بدخواه مرا ضربت زدند. ایندیپی یک بنده‌ی او آن که طغیان برضد او را به راه انداخت، بر تخت او نشست... تمریتو شاه سرزمین ایلام، سخنانی وقیحانه بر زبان رانده بود و درباره برادرانش، خانواده‌اش و تخمه‌ی خاندان پدرش با هم، همراه با هشتادوپنج تن از نجبای سرزمین ایلام که در جناح او پیشروی می‌کنند، آنان که از جنگ‌افزارهای خدای آشور و خدای بانوی ایشتار، گریخته بودند، برای ستایش خدایگانی بزرگشان همراه با مردوک.شرو.اوصور، خواجه‌ی من که او را به زور با خودشان برده بودند، برهنه بر روی شکم خود خزیدند و به پاهای شاهانه‌ی حضرت من چنگ زدند... تمریتو خود را تسلیم کرد تا در برابر من به خاک افتد و از حضرت سرورانه‌ام درخواست کرد متحد او باشم. به تمریتو و همراهان او اجازه دادم در کاخ‌همانند (نووتی - جفرز، ۱۴۰۲: ۶۵)».

۵. جنگ پنجم آشور.بانی پال با ایلام (جنگ مدکتو)^{۱۰} که در این جنگ که مشتمل بر چند نبرد بود، باز هم ایلام طرف شکست‌خورده نام گرفت: «جناح ضد آشور اکنون توسط امان.الداش (هومبان.هالتاش)^{۱۱} رهبری می‌شد، کسی که در اوایل سال ۶۴۸ ق.م، موفق به شکست و کشتن ایندا.بیگاش، شد و با عنوان امان.الداش (هومبان.هالتاش) سوم، بر تخت شاهی در شوش تکیه زد. این حادثه به معنای از سرگیری جنگ با آشور بود (اسمیت، ۱۳۹۰: ۲۱۰)».

۶. جنگ ششم (آخرین جنگ) آشور.بانی پال با ایلام (جنگ شوش): در این جنگ ایلام شکست خورد و پادشاه آن (هومبان.هالتاش سوم) به اسیری آشور رفت. «در ۶۴۶ ق.م، آشور.بانی پال، به نواحی شرقی ایلام لشکرکشی کرد و برای غارتی درنده‌خویانه به شوش بازگشت. گویا توان سیاسی ایلام در آن زمان به پایان رسیده باشد (کورتیس، ۱۳۹۲: ۳۵)».

چنانکه اشاره شد، پس از این جنگ که به ویرانی شوش و پایان شاهنشاهی ایلام، انجامید، مناسبات سیاسی -

10. The War of Madaktu

11. Humban-Haltash

۶۴۸ پ.م) ۵. هومبان. هالتاش سوم (۶۴۸-۶۴۲ پ.م) و پادشاهان محلی بدین نام‌ها: هومبان. هبوا، شوتور. نهوتنه و پنه (پ.ا).

۵. نخستین جنگ آشور. بانی‌پال و ایلام (اورتکی. اینشوشینک)

سال‌های ابتدایی و آغازین پادشاهی آشور. بانی‌پال، یعنی از سال ۶۶۹ تا ۶۶۴ پ.م، حدود ۵ سال، هم‌زمان شد با سلطنت اورتکی. اینشوشینک (اورتکی) بر ایلام که رخدادهای مهمی بین این دو به دیده تاریخ نشسته است. چنانکه از گزارش‌های تاریخی به ویژه نوشته‌های خود آشور. بانی‌پال، برمی‌آید در ابتدا روابط آشور. بانی‌پال با ایلام به خوبی و از در آشتی و صلح و دوستی بود و روابط صلح‌آمیز میان ایلام و آشور ادامه یافت، ولی دیری نپایید که به باور نزدیک به درستی به دست پادشاه ایلام و به واسطه رفتارهای دشمنانه او، این روابط تیره و تار شد و بین دو طرف جنگ و نزاع درگرفت و زان پس مناسبات ایلام و آشور رنگ دوستی و صلح به خود ندید. آشور. بانی‌پال شرح نخستین رویارویی خود با ایلام و تهاجم شاه ایلام به آشور، را زیر نام «لشکرکشی ششم» چنین نوشته است: «در ششمین لشکرکشی‌ام، من برضد اورتکو (شاه سرزمین ایلام) پیشروی کردم، آن که نه مهربانی پدر پدیدآورنده مرا به یاد می‌آورد و نه به دوستی من احترام می‌گذاشت. از آن که یک قحطی در سرزمین ایلام رخ داد و گرسنگی حاکم شده بود، من برای او غلات فرستادم تا جان‌های مردمان را حفظ کند و (این‌گونه) او را با دست گرفتم (یاری دادم). مردمانش آنان که از خاطر قحطی گریخته بودند و در سرزمین آشور ساکن شده بودند تا آن‌که در سرزمین او دوباره باران آمد و محصولات رشد کردند. من آن مردمان را نزد او باز گرداندم، آنان که در سرزمینم زنده مانده بودند. اما شاه ایلامی که من امکان تهاجمش را فکر نکرده بودم و یک رزم با آن کس که (ایلامی) فکرش را نکرده بودم، بل. ایکیش (ایقیش) اهل سرزمین گمبول، نبو. شوم. ایرش، شندبکو (فرماندار) نیپور، بندگان که از آن من بودند و مردوک. شوم. ایینی، یک خواجه (خواجگان) متعلق به اورتکو

امپراتوری بی‌همتای زمان خویش فرمان می‌راند. مادرش آشور. هامات و همسرش لابات. شارات، از شاه‌بانوهای نامدار آشوری بودند. در برخی از منابع تاریخی از وی با نام «آشور. بانی. اپلی» یاد شده و تورات (کتاب مقدس) نام «اسن. ایر» را برای این پادشاه بزرگ آشوری برگزیده است. نام‌واژه‌ی «ساردانا. پالوس (ساردانا. پالاس)» را ژوستین (تاریخ‌نگار رومی)، برای این نام، نوشته و مفهوم نام‌واژه «آشور. بانی‌پال» یعنی «آشور به‌وجود آورنده یک وارث (جانشین) است». «سین. ایدین. اپل» پسر بزرگ (نایب‌السلطنه اسرحدون) در ۶۷۲ پ.م، درگذشت. شمش. شوم. اوکین پسر دوم و آشور. بانی‌پال، کوچک‌ترین آن‌ها و پسر سوم بود، ولی تاج شاهی و جانشینی پدر به او رسید. آشور. بانی‌پال، خویش را چنین معرفی می‌کند: «من آشور. بانی‌پال، شاه بزرگ، شاه نیرومند، شاه جهان، شاه سرزمین آشور، شاه چهارگوشه جهان، آفریده خدای آشور و خدای بانوی مولیشو (نین لیل)، آن که خدای انا و خدای بانوی بعلت. ایلی، دستانشان را به‌سوی او دراز کرده‌اند آن‌که به‌وسیله خدای سین، خدای شمش و خدای ادد، برگزیده شد. خدای مردوک و خدای بانوی زرپنیتو، آن‌که محبوب مورد نیاز خدای نبو، خدای تشم‌تو و خدای ننا (نانایا) است، خردمند و توانا، شبان راستین، مورد علاقه خدایان بزرگ؛ پسر اسرحدون، شاه بزرگ، شاه نیرومند، شاه جهان، شاه سرزمین آشور، فرماندار بابل، شاه سرزمین سومر و اکد... خدایان فرمان دادند از برای محافظت از جایگاه من به عنوان وارث منصوب و پس از تعیین من به جانشینی سلطنت سرزمین آشور، او (اسرحدون) یکپارچه ساخت مردمان سرزمین آشور را و سرزمین سومر و اکد را... (نووتنی - جفرز، ۱۴۰۲: ۱۹)». پادشاهان ایلامی هم‌زمان با آشور. بانی‌پال (۶۶۹-۶۲۷ پ.م) عبارتند از:

۱. نیمی از پادشاهی اورتکی. اینشوشینک (۶۷۵-۶۶۴ پ.م) موسوم به اورتک (اورتاک، اورتکی) ۲. دوره تپتی. هومبان اینشوشینک (۶۶۸-۶۵۳ پ.م) معروف به تئومان ۳. تمریتو (تاماریتو، ۶۵۲-۶۴۹) و شاهان محلی به نام‌های هومبان. نیکش دوم و ات. همیتی. اینشوشینک (۶۵۳-۶۴۸ پ.م) ۴. ایند. بی. بی (ایندا. بیگاش) (۶۴۹-۶۴۸ پ.م)

«برای یاری خدای بعل (مردوک) و خدای نبو، خدایان من، آنان که من پیوسته به خدایگانی‌شان ارج می‌گذاشتم، من نیروهای رزمی‌اش را گرد آوردم و به راه افتادم. (او) شاه ایلام) درباره‌ی پیشروی نیروی گسیل شده‌ی من شنید و آن گاه ترس او را در برگرفت و او به سرزمین خودش بازگشت. من در پی‌اش رفتم و برای او شکست به ارمغان آوردم. من او را تا به دوری مرز سرزمینش راندم. اورتکو (شاه ایلام)، آن که دوستی مرا ارج نگذاشته بود، آن را که مرگ فراخواند در یک روز که آن روز، روز سرنوشتش نبود، آن کس که به پایان آمد و درحالی که زاری می‌کرد، پژمرده شد. او دیگر پا به سرزمین زندگان نمی‌گذارد. در آن سال زندگی‌اش به پایان رسید و او از دنیا رفت (نووتنی - جفرز، ۱۴۰۲: ۴۹)».

«خبر حمله اورتکی در نینوا پایتخت آشور. بانی پال، به او رسید... آشور. بانی پال، سپاهش را به حرکت درآورد. طبق گزارش او اورتکی در این وقت به ایلام برگشت: من او را تا مرزهای کشورش تعقیب کردم و یک بار دیگری از شاهان آشور با مرگ ناگهانی یکی از دشمنانش از سختی‌های زیادت نجات یافت (هینتس، ۱۳۸۸: ۱۳۹)».

چنانکه پیداست در نخستین جنگ آشور. بانی پال با ایلام، پادشاه آشور پیروزمندانه به نینوا بازگشت. گرچه آشور. بانی پال، سبب آغاز جنگ را ناسپاسی و نقض عهد پادشاه ایلام، دانسته است و البته سخن درستی به نظر می‌رسد، ولی تاخت و تازها و لشکرکشی‌های فراوان ایلام به محدوده آشور و غارت و چپاول بین‌النهرین توسط ایلامی‌ها، افزون بر این سبب شد و آشوریان به شدت از ایلام کینه به دل داشتند.

۶. دومین جنگ آشور. بانی پال با ایلام (جنگ تل. توبا، تولیز)

پس از اورتک، تپتی. هومبان. اینشوشینک (تئومن) پادشاه ایلام شد که در این زمان اختلافات خانوادگی میان شاهزادگان ایلام بالا گرفت و جمع زیادی از آنها از ترس کشته شدن به دست تئومن، به دربار آشور. بانی پال گریختند. از آنجایی که شاه آشور حاضر به بازگرداندن شاهزادگان ایلامی نشد، به زودی جنگ بین ایلام و آشور درگرفت. این

آن که سوی آنان را گرفته بود. آنان، اورتکو (شاه سرزمین ایلام) را با دروغ‌هایی تحریک نمودند از برای رزم با سرزمین سومر و اکد... اورتکو — آن که من با او دشمنی نکرده بودم — او تازش خود را به حرکت درآورد و جنگ را با شتاب به سرزمین کاردونیاش (بابل) آورد. به دلیل حمله ایلامی، پیام‌آوری به نینوا آمد و مرا گفت. من درباره‌ی این اخبار از تازش اورتکو نگران نبودم، از آن روی که او پیایی نمایندگانش را با پیام‌هایی از برای صلح نزد من فرستاده بود. من پیام‌آورم را برای دیدن شاه سرزمین ایلام، رهسپار کردم. او به چابکی رفت، بازگشت و مرا شرحی دقیق گزارش داد: ایلامیان سرزمین اکد را پوشاندند (گرفتند)، همه‌ی آن را، هم چون توده‌ای از ملخ‌ها. برضد سرزمین بابل اردویش را بر پا کرد و اردوی نظامی‌اش، چیده شد (نووتنی - جفرز، ۱۴۰۲: ۴۸)».

«در آغاز سلطنت آشور. بانی پال، ایلامی‌ها از فرصت استفاده کرده و تحت ریاست اورتاکو، به بابل که در آن هنگام پادشاه آن شمش. شوموکی (برادر آشور. بانی پال) بود، حمله بردند و چون استحکامات بابل را استوار دید، حوالی آن را غارت کرده به شوش بازگشتند (مشکور، ۱۳۶۳: ۱۳۳)».

«اورتکی مثل برادرش کوشید با آشور روابطی منطقی برقرار کند، اما وقتی در ۶۶۸ ق.م، اسارحدون مرد و آشور. بانی پال جانشین او شد، به نظر می‌رسد اورتکی سیاست خود را تغییر داده است (هینتس، ۱۳۸۸: ۱۳۹)».

آشور. بانی پال، به مقابله‌ی با سپاهیان مهاجم ایلام، شتافت و توانست آنها را شکست داده، تا شوش به عقب براند. ضمن اینکه با مرگ پادشاه ایلام (اورتکی) پیروزی آشور. بانی پال بر ایلام کامل شد.

«در زمانی میان ۶۶۹ و ۶۶۴ ق.م، آشور. بانی پال به لشکرکشی خود برای دفع حمله اورتک اقدام نمود (واترز، ۱۳۹۱: ۹۰)».

«آشور. بانی پال، سپاهیان خود را برای رویارویی با اورتک فرستاد و او را به سوی ایلام بازگرداند (استولپر، ۱۳۸۹: ۹۹)».

بود که بر سر تتومن آمد، اما این رخداد او را از نقشه‌های حمله منصرف نکرد در ماه بعد (ابو) تتومن سپاهی گرد آورد و بر ضد آشور پیشروی کرد. واکنش آشور تا ماه بعد (ماه اولولو) صورت نگرفت. تتومن پیام‌هایی برای استرداد برادرزاده‌هایش، پسران هوبن، هلتش دوم و اورتک، فرستاد و در برابر سربازان گرد آمده‌اش مرتباً خودستایی نمود و آشور.بنی‌پال، را تحریک به جنگ کرد. به این دلیل پیام‌های گستاخانه به دست هوبن، تهره و نبو.دمیق، هر ماه فرستاد. در ایلام او در برابر اجتماع سربازانش خودستایی کرد. آشور.بنی‌پال، پناهندگان را تحویل نداد. در متنی ناقص قصد تتومن به حمله به آشور شرح داده شده: من نخواهم خوابید تا هنگامی که آمده و در مرکز نینوا شام خورده باشم! طبق سالنامه، تتومن پیش از آنکه ترس از سپاه آشور.بنی‌پال، او را وادار به عقب‌نشینی به شوش کند، فقط تا بیت.ایمبی، پیشروی کرد. حمله تتومن فرصتی ایجاد کرد تا او از اتباعش در ایلام پشتیبانی کند (واترز، ۱۳۹۱: ۹۶).

در برابر اقدامات نظامی تتومن بر آشور، پادشاه آشور در سال ۶۵۳ پ.م، به ایلام حمله نمود و آن را به شدت شکست داد. «پادشاه آشور در سال ۶۵۳ پ.م، به ایلام یورش آورد. سپاهیان آشور.بنی‌پال، نخست منطقه‌ی در، را گشودند و آنگاه از شمال به ایلام نزدیک شدند. ت.اومان، به رویارویی با دشمن شتافت و پس از نبردی در نزدیکی شوش در کرانه رود اولوی، به شوش گریخت. آشوری‌ها با گریختن سپاهیان ایلامی به پیروزی دست یافتند... تپتی.هومبان. اینشوشینک و یک پادشاه ناشناخته هیدلو، که شوتروک.نیهونته (ایشترندی) خوانده شده، از پای درآمدند. آشور.بنی‌پال، فرمانروایی مدکتو را به یکی از پسران پناهنده اورتک به نام هومبان.نیکش دوم (اومنیگش) بخشید و فرمانروایی هیدلو را به تمریتو (دیگر پسر اورتک) داد. آشوری‌ها از گشودن شهر شوش چشم پوشیدند. اگرچه آشور.بنی‌پال، مدعی است که فرمانروایی مدکتو و شوش را به هومبان.نیکش دوم، داده است (استولپر، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

جنگ، که زیر نام لشکرکشی هفتم آشور.بنی‌پال به ایلام، در منابع تاریخی آمده و به «تل.توبا(تولیز)» نام گرفته، در جایی به همین نام در نزدیکی شوش به پایان رسید و به شکست تتومن (پادشاه ایلام) انجامید. چنانکه آمد آشور.بنی‌پال، درخواست تتومن برای بازگرداندن شاهزاده‌های ایلامی پناه گرفته به آشور، را نپذیرفت، محدوده آشور مورد هجوم ایلامی‌ها قرار گرفت.

«در هفتمین لشکرکشی‌ام، من برضد تتومن (شاه سرزمین ایلام)، آن که پیاپی نمایندگانش را نزد من می‌فرستاد، که مرتبط بود با اومنیگش، اومن.اپ (و) تمریتو، پسران اورتکو شاه سرزمین ایلام (و) کودورو (و) پرو، پسران اومن.الدشو (خومبن.خلتش دوم) — برادر اورتکو شاه پیشین سرزمین ایلام — (از برای خواستن از من) جهت بازفرستادن آن اشخاص، آنان که نزد من گریخته بودند و به پاهایم چنگ زدند. من آنان را به او بازپس نفرمودم. در ارتباط با آنچه بالا آمد او ماهانه (و) با دستان (به واسطه) اومبدرا و نبو.دمیک (نبو.دمیق)، ماهانه ناسزا می‌فرستاد. اندرون سرزمین ایلام، او در میان نیروهایش لاف زد. من بر خدای بانوی ایشتر اعتماد کردم، آن که مرا دلگرم ساخته بود. من به گفته‌های (خواسته‌های) او در سخنرانی تحریک‌آمیزش عمل نکردم. من آن پناهندگان را به او ندادم (نووتنی - جفرز، ۱۴۰۲: ۵۲).»

«آشور.بنی‌پال، مقدم پناهندگان ایلامی را گرامی شمرد. در این ضمن آشور.بنی‌پال، با لشکری از مجرای نیل بالا رفته به شهر تب رسید و آن شهر و معبد آمون را غارت کرد. در این هنگام ت.اومان (تتومان) با کمبولا، که گذرگاه‌های دجله را در تصرف داشت، متحد گردیده، قصد بابل کرد و پیش از آنکه از سرحد بگذرد، آشور.بنی‌پال را بین جنگ و تسلیم فراری‌های ایلامی مخیر گردانید. شاه آشور جواب رد داد و سپس به ایلام حمله کرد (مشکور، ۱۳۶۳: ۱۳۳).»

«رویداد عمده زمان سلطنت تتومن، نبرد «تل.توبه» بود... سالنامه‌های آشور.بنی‌پال، منبع اصلی در مورد این رویداد است. به خسوفی اشاره شده است که در ماه دوزو (ماه ۴) اتفاق افتاد و به‌عنوان یک پیام‌آور پایان سلطنت تتومن تفسیر گردید. این نشانه حاکی از یک رخداد از پای درآورنده

و راه مستقیم را در پیش گرفتیم ... پیش از من تتومن(شاه سرزمین ایلام) در شهر بیت.ایمبی اردو برپا کرد. او درباره‌ی اندرون شدن حضرت شاهانه‌ی من به (شهر) در، شنید و ترس او را فرا گرفت. تتومن هراسیده، روی برگرداند و اندرون شوش شد. او برای حفظ جان خودش سیم و زر میان مردمان سرزمینش پخش کرد. او متحدان خود- آنانی که در جناح او پیشروی می‌کنند- را به سوی جبهه (جلوی) خود فرستاد و آن‌ها را در پیشگاه من گرد آورد. او رود اولای را در جایگاه موقعیت دفاعی خود قرار داد و من را از آبگاه‌ها، دور نگه داشت ... به فرمان خدای آشور و خدای مردوک، خدایان بزرگ، آنان که از طریق فال‌های فرخنده، رؤیاها، پیش‌گویی‌های اگیرو و پیام‌هایی برآمده از خلسگی، مرا دلگرم ساخته بودند. من بر آنان اندرون (شهر) تیل.توب، شکست به ارمغان آوردم. من رود اولای را با اجسادشان بند آوردم و دشت شهر شوش را با پیکرهایشان چون گیاهان بلتو و گیاهان اشاگو، پر کردم. به فرمان خدای آشور (و) خدای مردوک، خدایان بزرگ، سرورانم در میانه نیروهایش، من سر تتومن شاه سرزمین ایلام را بریدم. درخشش خدای آشور و خدای بانوی ایشتار، سرزمین ایلام را در برگرفت و آنان (ایلامیان) در برابر یوغ من سر فروآوردند (نووتی - جفرز، ۱۴۰۲: ۵۷)».

«آشور.بانی پال با سپاهی از «در» رهسپار ایلام شد. ت.اومان، ظاهراً راه قدیم شوش به «در» و به آشور را در پیش گرفته و به بیت.ایمبی رسیده بود، اما با نزدیک شدن آشوریان عقب نشسته بود. ت.اومان، در نبرد منظمی در تیل.توبا(در کرانه‌های رودخانه اولای)، به همراه پسرش تمرینو، کشته و سر از گردنشان جدا شد (پاتس، ۱۳۹۱: ۴۳۱)».

۷. جنگ سوم آشور.بانی پال با ایلام (جنگ در)

دردوره هومبان.نیکش دوم پادشاه ایلام، سپاهیان آشور.بانی پال با ایلامی‌ها، که بابلی‌ها (کلده) را نیز در بیعت خود داشتند، درافتادند و آن‌ها در نزدیکی (دره امروزی) شکست دادند. این جنگ که زیر نام لشکرکشی هشتم آشور.بانی پال بر هومبان.نیکش دوم، تعریف می‌شود در

«این جنگ در محلی موسوم به تولیز، روی داد که شهری نزدیک شوش بود. قبلاً ایلام یکی از سردارانش را برای مذاکره صلح فرستاد تا در این ضمن فرصت جمع‌آوری لشکر را پیدا کند. ولی پادشاه آشور ملتفت این معنا شده، فرستاده را بکشت و جنگ شروع شد و بسیاری از لشکریان ایلام به کارون ریخته شدند. ت.اومان، باآنکه دلیرانه می‌جنگید مجروح شد و در حین فرار به دست یکی از شاهزادگان فراری ایلام از پای درآمد و سر او را به نینوا فرستادند (۶۵۹ق.م). پس از این شکست، پادشاه آشور خومبان.ایگاش را به تخت ایلام نشاند و آشوری‌ها باج از ایلام گرفته و به نینوا بازگشتند (مشکور، ۱۳۵۷: ۱۳۳)».

از آنچه که میان آشور.بانی پال و تتومن، روی داد، به نظر می‌رسد که پادشاه ایلام جنگ را آغاز نمود و این چنین شد که جنگی بزرگ میان ایلام و آشور درگرفت. آشور.بانی پال مدعی است که لشکرکشی خود به ایلام در پی حمله ایلامی‌ها بوده است.

«تتومن پیوسته به دنبال (کردارهای) پلیدی بود، اما خدای سین همچنان به دنبال فال‌های ناخوشایند برای او بود. در ماه دوئوزو (ماه چهارم) گرفتگی ماه بیشتر از ساعت (پاره) سوم شب به طول انجامید، تا اینکه روشنایی روز، خدای شمش آن را دید و به‌همین ترتیب تمام روز ادامه یافت، (به این نشانه:) پایان سلطنت شاه سرزمین ایلام (و) ویرانی سرزمین او.. میوه(خدای سین) تصمیم خود را برای من آشکار کرد، آنچه تغییرپذیر نیست. در این هنگام حادثه‌ای او را رخ داد: لبش فلج شد، چشمانش به عقب برگشت و تشنجی درونش رخ داده بود(نووتی - جفرز، ۱۴۰۲: ۵۲)».

«در ماه اولولو(ماه ششم) کردار خدای بانوان، جشن(خدای) والای آشور، ماه خدای سین، نور آسمان و جهان زیرین، من اعتماد کردم بر تصمیم نور درخشان خدایگانی(خدای سین) و (بر) پیام خدای بانوی ایشتار، بانوی من... من نیروهای جنگی‌ام را گرد آوردم، جنگجویانی که به فرمان خدای آشور، خدای سین و خدای بانوی ایشتار در انبوه نبرد به تندی حرکت می‌کردند. من در راه رویارویی با تتومن شاه سرزمین ایلام رهسپار شدم

واقع رویارویی آشور. بانی پال با اتحاد ایلامی - بابلی بود که پیروزی از آن آشور شد. در حدود سال ۶۵۴-۶۵۳ ق.م، هومبان. نیکش دوم (پادشاه ایلام) که پادشاه دست‌نشانده آشور. بانی پال در ایلام بود، به پادشاه آشور خیانت کرده به کمک شمش. شوم. اوکین (پادشاه بابل)، نبو. بل. شوماتی (حاکم بیت. یاکین) و چند شاه دیگر بین‌النهرین، در یک اقدام متهورانه به آشور حمله کرد.

«من اومنیگش (خومبن. نیکس دوم)، آن که سوی من گریخته بود و به پاهایم چنگ زده بود، را بر تخت او (تومن) نشاندم. من تمریتو، برادر سومش را در جایگاه شاه در شهر خیدلو، گماشتم. همراه با گردونه‌ها، بارکش‌ها (واگن‌ها)، اسبان، قاطران، اسبان افسارگسیخته و تجهیزات مناسب جنگ، که من با پشتیبانی خدای آشور (و) خدای بانوی ایشتار، خدایان بزرگ، سرورانم، میان شهر شوش و رود اولای گرفتم، به فرمان خدای آشور و خدایان بزرگ، سرورانم، من با شادکامی از سرزمین ایلام برون آمدم و برای همه‌ی سپاهم رستگاری برقرار شد (نووتنی - جفرز، ۱۴۰۲: ۵۸)».

تاریخ‌نگاران و نیز خود آشور. بانی پال، از نقض عهد هوبن. نیکش دوم خبر می‌دهند، در نتیجه او را سزاوار سرزنش می‌دانند و البته در این میان شاه پیمان‌شکن ایلام به سختی مجازات شد.

«هوبان. نوگان مدت کوتاه ۸ ماه در ماداکتو به پادشاهی، که او را بر تخت نشانده بود، وفادار باقی‌ماند. وقتی که شمش. شوم. اوکین، بر آشور. بانی پال بیرون آمد، فرمانروای ایلام بی‌درنگ ولی‌نعمت خود را فرو گذاشته، آرامیان گوناگون را برمی‌انگیخت تا به پشتیبانی از بابل برخیزند و سردارانش آنان را و نشو (نشه) را به جلگه بابل فرستاد. وی همچنین به اونداسی پسر دیگر تپتی. هوبان. اینشوشیناک، اصرار می‌ورزید که انتقام خون پدرش را بگیرد. آشور. بانی پال از آشور به سرعت دیگر ایلامیانی را که از پیمان‌شکنی آنان آگاهی داشت هشدار داد. وی به سرنوشت سردار ایلامی سیم‌پورو که آشور را در نبرد تل‌توبا فرو گذاشته بود و به خاطر فعالیت‌های ضد آشوری کشته شده بود، اشاره کرد. سرانجام به بیان ناخرسندی خود از منهیان ایلامی خویش پرداخت که

با وجودی که می‌دانستند هوبان. نوگاش اکنون دارد سوگند وفاداری خود به آشور را می‌شکند و بر آن است تا در جنگ خانگی، جانب بابل را بگیرد، جنبشی نکردند و دست به کاری نزدند (کمرون، ۱۳۸۷: ۱۴۵)». چنانکه آمد پادشاه ایلام نه تنها از پیمان دوستی خود با آشور، خارج شد و در اتحادیه ضد آشوری مذکور قرار گرفت، بلکه به کمک متحدین خود به آشور تاخت. اقدامات ایلامی‌ها بر آشور، منجر به توفیق نشد و در این میان اتحادیه ایلامی - بابلی و به‌ویژه ایلام در جنگ با آشور (جنگ در) شکست خوردند. «در این میان سپاهیان ایلامی هوبان. نوگاش نزدیک در، متمرکز گردیدند اما نبردی که در پی آن با نیروهای آشور که نزدیک مانگیسی مستقر بودند درگرفت به شکست کامل ایلامیان انجامید (کمرون، ۱۳۸۷: ۱۴۵)».

«در هشتمین لشکرکشی‌ام من برضد دونانو، پسر بعل. ایکیش (ایقیش) سوی سرزمین گمبولو پیشروی کردم، آنجا که به شاه سرزمین ایلام اعتماد کرده و بر یوغ من، سر فرو نیاورده بود ... همراه با آرایش نبرد شکوهمندم، من سراسر سرزمین گمبولو را چون یک مه پوشاندم. من شهر ش. پی. بعل، شهر مستحکم او، را تصرف کردم، آنجا که موقعیتش میان رودها واقع است ... من دونانو و برادرانش را زنده به بیرون آن شهر آوردم. من همسرش را، پسرانش را، دخترانش را، زنان کاخش را، مردان خواننده را و زنان خواننده را بیرون آوردم و آنان را در جایگاه غنیمت برشمردم. من سیم، زر، دارایی و گنجینه‌ی کاخ او را برون آوردم و آن‌ها را در جایگاه غنیمت برشمردم. من خواجگان را، ملازمان را، سازندگان (مهندسان) را و فراهم‌کنندگان خوراک او را برون آوردم و آنان را در جایگاه غنیمت برشمردم. من همه‌ی هنرمندان او را به آن اندازه که آنجا بودند، کفیل شهر و مرغزار را برون آوردم و آنان را در جایگاه غنیمت برشمردم. من گاوان نر را، گوسپندان و بزها را، اسبان را و قاطران را، آنچه را که بی‌شمار بودند، برون آوردم و آن‌ها را در جایگاه غنیمت برشمردم. من حتی یک شخص از سرزمینش را، مرد و زن، جوان و پیر، باقی نگذاشتم و آنان را برون آوردم و آنان را در جایگاه غنیمت برشمردم (نووتنی - جفرز، ۱۴۰۲: ۵۹)».

۸. جنگ چهارم آشور. بانای پال و ایلام و مناسبات وی با تمریتوی دوم و ایندیبی بی

آشور. بانای پال در مدت کوتاه پادشاهی تمریتوی دوم و ایندیبی بی (ایندا. بیگاش)، مناسبات سیاسی- نظامی به نسبت مهمی را برقرار نمود. گرچه در این زمان یک جنگ تمام عیار و کلاسیک دیده نمی شود، ولی رویارویی های نظامی و رفتارهای سیاسی تأثیرگذاری به انجام رسیده است. به رغم حمایت آشور. بانای پال از تمریتوی دوم (پادشاه ایلام)، وی همانند پیشینیان خود، در اتحادیه ضد آشوری «ایلامی - بابلی»، در ۶۵۰ پ. م، علیه آشور جنگی به راه انداخت که می توان آن را جنگ چهارم آشور. بانای پال و ایلام، نام نهاد.

«دیری نیاید که اومنیگش از تخت به زیر کشیده و در کودتای دیگری به دست شخصی به نام تمریتو، کشته شد که در متنی آشوری برای رب النوع نرگال، وارث اومنیگش برادر پدر وی خوانده شده است (پاتس، ۱۳۹۱: ۴۳۶)».

«پیامد شکست هومبان. نیکش از آشور، شورش دیگری در ایلام بود و تمریتو دوم (۶۵۲-۶۴۹ پ. م)، تاج و تخت هومبان. نیکش را به دست آورد (استولپر، ۱۳۸۹: ۱۰۱)».

پادشاه آشور در ۶۵۰ پ. م، به بابل حمله کرد و اتحادیه ای ضد آشوری «ایلامی - بابلی»، شکست خورد ولی پیش از آنکه به طور مستقیم وارد جنگ با ایلام، شود، تمریتو (شاه ایلام) در یک شورش داخلی، پادشاهی را از دست داد و به آشور گریخت. آشور. بانای پال، ماجرای خروج تمریتو (شاه ایلام) بر خود و رخدادهای جنگ وی، را چنین گزارش کرده است:

«تمریتو، آن که حتی گستاختر از اومنیگش بود، بر تخت سرزمین ایلام نشست... همانند اومنیگش، تمریتو رشوه هایی پذیرفت، او درباره (وضع) به روزی حضرت شاهانه ای من جويا نشد (سلامت حال مرا نپرسید). (او) به یاری شمش. شوم. اوکین، برادر بی وفا (یم) رفت و شتابان جنگ افزارهایش را از برای رزم با نیروهای من فرستاد. در پی آن عجزهایی که من رو به خدای آشور و خدای بانوی ایشتار کردم، آنان سوگ مرا پذیرا شدند و به اظهارات لبان من گوش سپردند. بندگان (بندگان تمریتو) بر او شوریدند و با یکدیگر بدخواه مرا ضربت زدند. ایندیبی یک بنده او آن

که طغیان برضد او را به راه انداخت، بر تخت او نشست... تمریتو شاه سرزمین ایلام، سخنانی وقیحانه بر زبان رانده بود و درباره برادرانش، خانواده اش و تخمه ای خاندان پدرش با هم، همراه با هشتادوپنج تن از نجبای سرزمین ایلام که در جناح او پیشروی می کنند، آنان که از جنگ افزارهای خدای آشور و خدای بانوی ایشتار، گریخته بودند، برای ستایش خدایگانی بزرگشان همراه با مردوک. شرو. اوصور، خواجه من که او را به زور با خودشان برده بودند، برهنه بر روی شکم خود خزیدند و به پاهای شاهانه ای حضرت من جنگ زدند... تمریتو خود را تسلیم کرد تا در برابر من به خاک افتد و از حضرت سرورانه ام درخواست کرد تا متحد او باشم. تنها برای یک خواجه من، خدای آشور، خدای سین، خدای شمش، خدای بعل (مردوک) (و) خدای نبو، آن خدایان که مرا پشتیبانی می کنند، هزار برابر مرا جبران کردند (یاری دادند). من به تمریتو و به همراهان او اجازه دادم تا در کاخم بمانند (نووتنی - جفرز، ۱۴۰۲: ۶۵)».

«تمریتو در هم پیمانی با نبو. بل. شوماتی، کشمکش با نیروهای آشوری را ادامه داد. پیروزی آشکار او چندان نیاید و در شورش تازه در ایلام در سال ۶۴۹ پ. م، از تخت پادشاهی افتاد و به دربار آشور گریخت و به آشور. بانای پال، پناهنده شد (استولپر/ ۱۳۸۹/ ۱۰۱)». به هر روی رخدادهای میان آشور. بانای پال و ایلام، در نهایت به پناهنده شدن پادشاه ایلام به دربار آشور انجامید و بدین ترتیب رویارویی آشور و ایلام در این زمان با موفقیت و پیروزی آشور پایان یافت. بعدها در سال ۶۴۷ پ. م، در نخستین لشکرکشی آشور. بانای پال علیه هوبان. هالتاش سوم، تمریتوی دوم سپاه آشور را همراهی نمود و پس از شکست ایلامیان، از سوی پادشاه آشور به حکومت شوش منصوب گردید ولی این حاکمیت کمتر از ۶ ماه دوام داشت. آشور. بانای پال و ایندیبی بی (ایندا. بیگاش) شاه ایلام، نیز با هم در افتادند و رویدادهای مهمی در دوره ای این دو پادشاه میان آشور و ایلام رخ داد که می رفت تا آشور. بانای پال به ایلام حمله کند لیکن پیش از آن پادشاه ایلام در یک شورش داخلی کشته شد.

«ایندا. بیگاش (ایندیبیگش) در اوایل سال ۶۴۹ ق. م، در رأس شورش برضد تماریتو قرار گرفت. آغاز شورش که

بفرستند. همچنین مجسمه‌ها و تندیس‌های خدایان بین‌النهرینی (آشوری، بابلی) و غیر آن، به‌ویژه مجسمه خدای نانا(نیه)، که در گذشته توسط پادشاهان ایلام، به شوش برده شده بودند، به آشور بازگردند. پیش از آنکه ایندبی‌بی درخواست‌های (دستور، تهدید) آشور.بانی‌پال، را اجرا نماید، ایلامی‌های ضد آشور(جناح مدکتو) به رهبری هومبان.هالتاش سوم، علیه وی شورش کرده، او را به قتل رساندند.

«موقعیت ایندا.بیگاش در ایلام چنان ضعیف‌شده بود که وی درصدد مذاکره با آشور.بانی‌پال، درآمده و به‌عنوان قدم اول در راه برقراری روابط دوستانه گروگان‌هایی را که نبو.بل.شوماتی، با خود به ایلام برده بود، آزاد ساخت. آشور.بانی‌پال، تا آنجا پیش رفت که درخواست تسلیم خود نبو.بل.شوماتی، را مطرح ساخت و اگر حوادث جدید در ایلام، سقوط ایندا.بیگاش را به همراه نیاورده بود؛ وی این درخواست را نیز عملی می‌ساخت (اسمیت، ۱۳۹۰: ۲۱۰)». از سویی دیگر چنانکه آمد، ایلام به سبب کشمکش‌ها و اختلاف‌های داخلی به شدت ضعیف شد و هم نتوانست و هم نخواست شمش.شوم.اوکین، را حمایت کند، درنتیجه شاه بابل از آشور شکست خورد و کشته شد و بین‌النهرین زیر فرمان آشور نشست.

۹. جنگ پنجم آشور.بانی‌پال با ایلام (جنگ مدکتو)

در سال ۶۴۸ پ.م، با کشته‌شدن ایندبی‌بی، هوبن.هلتاش (هوبان.هالتاش) سوم، بر تخت لرزان پادشاهی ایلام نشست. به‌زودی این پادشاه ایلامی نیز در بر پادشاه آشور ایستاد.

«پس از ایندبی‌بی، اومندلش(پسر اتمتو) مسند قدرت را به‌دست گرفت. نام اومندلش(هومبان.هلتاش سوم) در کتیبه‌های اصلی ایلامی نیامده است و گرچه عموماً فرض بر این است که اتمتو پدر وی همان ات.همیتی.اینشوشینک، شناخته‌شده در کتیبه‌های شوش است. دستور زبان کتیبه‌های جدید نشان می‌دهد که چنین نبوده است (پاتس، ۱۳۹۱: ۴۳۹)».

مقارن بود با حکومت نابو.بل.شوماته، در ناحیه هیدالو در شهر هودی‌میری، حتی بر بل.ایینی که تماریتو و خاصگان فراوانش هنگام فرار از پیش ایندا.بیگاش به دست او افتادند، نیز شناخته بود. جلوس ایندا.بیگاش در ماداکتو، دگرگونی غیرمنتظره‌ای در اوضاع پدید آورد. آشور.بانی‌پال وسیله‌ای برای آگاهی یافتن از نگرش این فرمانروا نسبت به آشور نداشت؛ درنتیجه منتظر دریافت پاسخ نامه‌اش به پادشاه جدید بود. چنین می‌نماید که ایندا.بیگاش در آغاز به تکالیف آشور پاسخ مطلوب داد اما چندان نگذشت که وی نیز متحد نابو.بل.شوماته، گردید که خطر کرده به زمین‌های رسوبی رفت و در آنجا چندین آشوری ازجمله مردوک.شار.اوسور، را به اسارت گرفت. بی‌درنگ حقیقت کارها روشن گردید و پیک‌درپیک از آشور.بانی‌پال خواسته می‌شد که برای جلوگیری از تاخت‌وتازهای بیشتر، سوارانی به نیپور و اوروک بفرستد (کمرن، ۱۳۸۷: ۱۴۶)».

گزارش سالنامه آشور.بانی‌پال، در رابطه با مناسبات وی با ایندیبی(پادشاه ایلام) بدین قرار است: «ایندیبی، آن که پس از تمریتو بر تخت سرزمین ایلام نشست، آگاه بود از شکوه جنگ‌افزارهای من که بر سرزمین ایلام چیره شده بود و از آشوریانی که من برای یاری نبو.بل.شوماتی، پسر مردوک.اپل.ایدین دوم(مردوخ.بلدان) فرستاده بودم، آن که با او مانند یک دوست و متحد از برای محافظت از سرزمین او پیش می‌رفتند و آن که نبو.بل.شوماتی، او را شب‌هنگام با مکر گرفته بود و در زندان گرفتار کرد، ایندیبی شاه سرزمین ایلام، آن‌ها را از زندان آزاد کرد. از برای آن که (آنان با من) شفاعت کنند، در باره‌ی او سخنانی نیکو بگویند و برای پیشگیری از آسیب‌رساندن به خاک سرزمینش، او، آن‌ها را با دستان پیام‌آورش(همراه با پیام‌هایی) از نیکی و صلح به پیشگاه من فرستاد(نووتنی - جفرز، ۱۴۰۲: ۶۸)». ایندبی‌بی برآن شد تا از حمایت و جانبداری شمش.شوم.اوکین، دست برداشته، با آشور.بانی‌پال از در آشتی درآید و چنین شد که جمعی از اسرای آشوری را که در دست نبو.بل.شوماتی، بودند، آزاد نمود، لیکن آشور.بانی‌پال، از وی خواست که سایر اسرا را نیز آزاد کرده، فرون برآن نبو.بل.شوماتی، را دستگیر و به دربار آشور

مدکتو اقامت داشت، هشدار داد که اگر خواسته‌های پیشین آشور.بانی پال، را انجام ندهد، بی‌درنگ به ایلام حمله و آن را ویران می‌کند. هومبان.هالتاش، این خواسته‌ها را پذیرفت ولی به دلایل مختلف نتوانست آن‌ها را عملی سازد و جنگ آغاز شد.

«هومبان.هالتاش سوم، دریافت که لزومی ندارد که ایلام و آشور تنها بر سر نابو.بل.شوماته دشمنی ورزند؛ بنابراین هم‌پیمانانش را فراخواند و به آنان توصیه کرد که این کلدانی را که آشور دستگیری وی را این‌همه ضروری می‌دانست تسلیم آن کشور کنند، اما جنگ خانگی در ایلام در طی سده‌ی پیش، این کشور را برای همیشه در سراسیمه زوال افکنده بود. گواه این دعوی این است که هومبان.هالتاش تنها توانست توصیه کند نه فرمان دهد. متأسفانه در مورد آینده‌ی خودش، اتباع ظاهرش توصیه‌ی او را زیر پا نهادند. نابو.بل.شوماته زنده و آزاد بود و چاره‌ای مگر ادامه‌ی جنگ بی‌ثمر با آشور نماند (کمرون، ۱۳۸۷: ۱۴۹).»

«لشکرکشی نخست آشور.بنی پال، بر ضد هوبن.هلتش سوم، در ماه سیمانو (ماه سوم) آغاز شد، اما سال ارائه نشده است. با قبول این که آشور.بنی پال، تا پس از سقوط شهر بابل (پس از ماه پنجم سال ۶۴۸ ق.م) اقدام به هیچ لشکرکشی عمده‌ای نکرد، ماه سوم سال ۶۴۷ ق.م، گزینه منطقی برای آغاز لشکرکشی نخست است (واترز، ۱۳۹۱: ۱۳۳).»

«در ۶۴۷ پ.م، نیروهای آشوری به تاخت‌وتاز در ایلام پرداختند. هومبان.هلتش، پس از پایداری کوچکی در شمال از مدکتو به کوهستان‌ها گریخت. دیگر مدعی پادشاهی ایلام (هومبان.هبا) هم از دژ خود گریخت. تمریتو دوباره به‌عنوان پادشاه ایلام در شوش فرمانروا شد و سپاهیان آشوری بخش‌های بزرگی از خوزستان را غارت کردند (استولپر، ۱۳۸۹: ۱۰۲).»

«برخی نامه‌ها آشکار ساخته‌اند که لشکرکشی نخست بر ضد هوبن.هلتش در دو جبهه صورت گرفت. یکی بر ضد بیت.ایمبی در شمال و دیگری از سمت جنوب. بل.ایینی در جبهه جنوبی مؤثر بود و در نقاط معمول درگیری در جنوب شرق، یعنی خیلمو، پیلتو و لخیرو (در میان بقیه شهرها) یا

«وقتی ات.همیتی.اینشوشینک، در ۶۴۸ ق.م، در شوش مرد، پسرش «هومبن.هلتش (هومبان.هالتاش) سوم»، جانشین او شد و پرده آخرین صحنه تاریخ ایلام به‌عنوان يك کشور مستقل بالا رفت (هینتس، ۱۳۸۸: ۱۴۴).»

آشور.بانی پال به ایلام حمله کرد و در نهایت طی دو جنگ گسترده با ویران نمودن پایتخت‌شهر شوش و دیگر شهرهای ایلامی مهر پایان را بر دفتر تاریخ شاهنشاهی ایلام حک نمود. زان‌پس ایلام با نام یک دولت محلی زیر نظر آشور، ماد، هخامنشی و... خویش نشان داده است. گمان می‌رود، حدود سال‌های ۶۴۸-۶۴۷ پ.م، نخستین لشکرکشی آشور.بانی پال بر هوبن.هلتش سوم (پادشاه ایلام) روی داده باشد که این جنگ پنجم آشور.بانی پال با ایلام است. چنانکه پیش‌ازین آمد، اتحاد قدرتمند ضد آشوری موسوم به اتحاد ایلامی - بابلی، توسط آشور.بانی پال، از هم پاشیده شد، شمش.شوم‌اوکین (پادشاه بابل) از بین رفت و بابل تابع آشور شد، ایلام به شدت ضعیف شده و اقتدار خود را از دست داد، تنها نابو.بل.شوماتی، شورشی ضد آشور که به ایلام گریخته بود، به‌عنوان ضلع سوم این اتحاد، تحرکاتی را علیه آشور به انجام می‌رساند و آشور.بانی پال، به شدت در پی دستگیری و کشتن او بود. بنابراین آشور در پی آن بود که کار ایلام را یکسره کند ولی این کار را می‌خواست در رسیدن به خواسته‌هایش از طریق مصالحه با ایندبی‌بی (پادشاه ایلام) انجام دهد و می‌رفت که اختلافات دیرینه آشور و ایلام به پایان برسد که شوربختانه ایلامی‌های مخالف آشور، به رهبری هومبان.هالتاش سوم، با کشتن شاه مورد حمایت آشور (ایندبی‌بی)، دوباره ایلام را در یک جنگ تمام عیار برابر آشور قرار دادند.

«جناح ضد آشور اکنون توسط امان.الداش (هومبان.هالتاش) رهبری می‌شد، کسی که در اوایل سال ۶۴۸ ق.م، موفق به شکست و کشتن ایندا.بیگاش، شد و با عنوان امان.الداش (هومبان.هالتاش) سوم، بر تخت شاهی در شوش تکیه زد. این حادثه به معنای از سرگیری جنگ با آشور بود (اسمیت، ۱۳۹۰: ۲۱۰).»

پادشاه آشور، که به شدت از رفتار و کرده‌ی ایلامی‌ها، خشمگین بود، به هومبان.هالتاش سوم که در پایتخت‌شهر

دهند که پسر آمه‌دیرا، هوبان.نوگاش ناحیه میان رودخانه هودهود و شهرها یادانو را واداشت تا شورش بر ضد هوبان.هالتاش که سپاهش را بر کران رود در صف آورده بود به او بپیوندند (کمرون، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

«هنگامی که هوبن.هلتش سوم، از نزدیک شدن آشوریان خبردار شد، مدکتو(شهر سلطنتی‌اش) را رها کرد و به کوهستان خود، گریخت. فرار هوبن.هلتش سوم، زمینه را برای شخص دیگری آماده ساخت تا مدعی شاهی شود در سالنامه‌ها اومبخبوئه (هوبن.هبوئه ایلامی) به‌عنوان میخرت.اومندلش، توصیف شده است... هوبن.هبوئه، شاه خوانده نشد حتی اگرچه بر تخت سلطنت ایلام نشست که از قرار معلوم در حکم سلطنت، به عنوان شاه است... از آنجا که هوبن.هلتش سوم، هنوز زنده بود، اقدام هوبن.هبوئه، احتمالاً به‌عنوان شورش تعبیر شد... هوبن.هبوئه، نیز از مقابل پیشروی آشور فرار کرد، او همانند ماهی به آب‌های عمیق دوردست رفت. در سالنامه‌ها اقامتگاه او بوپيله، نامیده شده و به‌عنوان شهر اقامتگاه حکمرانی او توصیف‌شده، که مفسران کنونی محل آن را در شوشان تشخیص داده‌اند (واترز، ۱۳۹۱: ۱۳۴). در این میان شورش‌های داخلی نیز مزید بر علت شد تا سپاه آشور به فرماندهی بل.ایبلی، در جبهه‌ی جنوب بیشتر مناطق و شهرهای ایلام را تسخیر نمایند. شوش نیز در این حمله در سیطره‌ی آشوریان قرار گرفت ولی ویران و غارت نشد. تمریتو، از سوی پادشاه آشور حاکم شوش شد و سردار آشوری راه مدکتو را پیش گرفت و چون بدانجا رسید، پادشاه ایلام به کوهستان گریخت.

«موقع هوبان.هالتاش (هوبن.هلتش)، بسیار ناپایدار بود اما وی آن اندازه سپاهی را که توانست از مقابل در کاست و در بیت.ایمبی، که مدت‌ها پیش بر دست سناخریب ویران گشته، اما اکنون باری دیگر آبادان شده بود، متمرکز سازد. این اقدام وی حرکتی خردمندانه بود، زیرا آشوریان بر آن شده بودند تا از شمال ایلام به این سرزمین درآیند. مهاجمان به بیت.ایمبی رسیدند و ایمبایی، سرکرده آن را که داماد پادشاه ایلام بود به اسارت گرفتند. آشور.بانی‌پال در منشور خویش اعلام کرد که در نتیجه‌ی این پیروزی

نزدیک آن‌ها نبرد می‌کرد. خیلمو و پیلتو در قلمرو ایلام قرار داشتند، زیرا سربازان بل.ایبلی می‌بایست به سمت ایلام از آب عبور کنند تا به آنجا برسند (واترز، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

«بیت.ایمبی یک کانون اصلی لشکرکشی بود، اگرچه در طول راه چند ناحیه مرزی به تصرف درآمد و غارت گردید: خیلمو، پیلتو، دوموقو، سولیه، لخیرو و دیبیرینا. بیت.ایمبی چنین توصیف شده: شهر شاهی و شهر امنیت ایلام که همانند حصار عظیمی ایلام را مسدود می‌سازد. بیت.ایمبی به‌عنوان یک استحکامات دفاعی مهم به کار می‌رفت... برخی ایلامیان اشاره خاصی را در زمینه این مرحله از لشکرکشی ایجاب می‌کردند. مقدم در میان آن‌ها فرمانده ایلامی ایمببی، بود که فرماندهی در بیت.ایمبی به او محول شده بود... وی به‌عنوان سرکمان‌دار ایلام یا مأمور بیت.ایمبی و داماد یا شوهر خواهر شاه، توصیف شده. او را در بند کردند و به آشور فرستادند. آشور.بنی‌پال، ملکه(می.ای.گال) و برخی پسران دشمن دیرینه‌اش (تئومن) را اسیر کرد. آن‌ها تسلیم آشور.بنی‌پال شدند و به عنوان غنیمت به شمار آمدند (واترز، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

«پس از آنکه شورش شمش.شوم.اوکین فرو نشانده شد دست‌کم از دو پایگاه یکی از بطایح در جنوب و دیگری از شهر در، در شمال به ایلام تاختن آورد. هدف حمله‌ی جنوبی شوش و مقصد راه شمالی تاختگاه شمالی ایلام، یعنی ماداکتو بود که از راه سرزمین راشی که کرسی آن بیت.ایمبی بود به آنجا رسیدند. فعالیت‌هایی که در بخش جنوبی انجام گرفت بیش از آن دیگری به هدف ما مربوط است. پادگانی مرکب از ۵۰۰ سرباز آشوری که در زابدانوا مستقر بودند دستور یافتند که به ایلام حمله کنند این گروه به‌سوی ایرگیدو که به فاصله‌ی ۴ ساعت راه تا شوش بود، پیش رفتند، شیخ قبیله ایاشیان و شماری از خویشانش را بکشند و با یکصد و پنجاه اسیر بازگشته در در به سپاه اصلی پیوستند. بدین ترتیب سرکردگان قبیله لاهیرو، که در جنوب شرقی این شهر به چرای احشام می‌پرداختند با دیدن تهدید تن به تسلیم دادند؛ و آشور بانی پال مغرورانه این داستان را با ریزه‌کاری تمام در کتیبه شاهی خود ضبط کرده است. اسرای ایلامی که بعدها گرفتار آمدند توانستند گزارش

همه جاهای مهمی را که در این سفر جنگی بر دست هر دو گروه مهاجم فتح شده بودند در برمی گیرد. مهم ترین آن ها در سرزمین راشی عبارت اند از: هامانو (همنو)، بیت.ایمبی، بوبه، بیت بوناکی و بیت ارابی (اربی). گروه دوم آن هایی بودند که در دره ی کرخه قرار داشتند، یعنی ماداکتو (مدکتو)، دور اونداسی، توبا و تل توبا، که نبرد سرنوشت با تپتی.هوبان. اینشوشیناک، در آنجا روی داد، دین شاری که در روزگار فرمانروایی هوتهلودوش. اینشوشیناک، ایزد ریا را در آنجا می پرستیدند و شوش. گروه سوم شهرهایی را در برمی گرفت که مسکن قبایل آرامی بود، یعنی هایااوسی، گاتودو، دانه با و دیگران (کمرن، ۱۳۸۷: ۱۵۱). گرچه در این جنگ سپاه ایلام شکست خورد ولی آشوریان به خواسته هایی که برای برآورده شدن آن ها، جنگ را آغاز کرده بودند، نرسیدند. نبو.بل.شوماتی، دستگیر نشد، هوبان.هالتاش فرار کرد و تندیس های خدایان آشوری - بابلی، همچنان در شوش باقی ماند، بنابراین هم زمینه برای آغاز جنگ دیگری وجود داشت و هم بهانه. سپاه آشور به نینوا بازگشت، چند ماه بعد دوباره به ایلام حمله کرد و طی آخرین جنگ برای همیشه پرونده ی رویارویی نظامی آشور و ایلام بسته شد.

۱۰. جنگ ششم (آخرین جنگ) آشور.بانی پال با ایلام (جنگ شوش)

ششمین و آخرین جنگ بین آشور.بانی پال و هوبان.هالتاش سوم، در سال ۶۴۶ پ.م، روی داد و به شکست ایلامی ها و پایان یافتن شاهنشاهی ایلام، انجامید.

«در ۶۴۶ ق.م، آشور.بانی پال، به نواحی شرقی ایلام لشکرکشی کرد و برای غارتی درنده خویانه به شوش بازگشت. گویا توان سیاسی ایلام در آن زمان به پایان رسیده باشد (کورتیس، ۱۳۹۲: ۳۵).»

پس از بازگشت سپاه آشور به نینوا، هوبان.هالتاش (شاه ایلام) به مدکتو (ماداکتو) بازگشت و مصمم شد تا خواسته های پادشاه آشور را عملی سازد ولی چون آشور.بانی پال، می دانست که هوبان.هالتاش نمی تواند به تنهایی خواسته های او را برآورد و نیز از سویی دیگر حاکم

هوبان.هالتاش از ماداکتو به کوه ها گریخت، اما بل.ابنی که هم زمان وارد بخش جنوبی کشور شده بود گزارش داد که گریز پادشاه ایلام به واسطه درگیری شورش داخلی بود. بل.ابنی افزود که وی از رهبران ایلام به نام های اومهلولما و اوندادو، خواست تا نابو.بل.شوماته را به او تسلیم کنند. پادشاه رقیبی به نام هوبان.هابوآ، که بر بخشی از ایلام، که در اطراف بویلو، به فاصله اندکی از شوش قرار داشت، فرمانروایی می کرد، پس از گریز هوبان.هالتاش تا مدتی توانست خود را نگه دارد. آنگاه وی نیز دریافت که آشوریانی که از شمال به ایلام درآمدند سرگرم روبیدن سراسر دو کران دجله هستند و او نیز از معرکه گریخت (کمرن، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

«شرح نخستین لشکرکشی بر ضد هوبن.هلتش سوم، با فهرستی از بیست و نه شهر غارت شده و غنائمی که به آشور برده شد، خاتمه می پذیرد. محل دقیق بسیاری از این شهرها نامشخص است، اما آن هایی که محلشان تشخیص داده شده است، نشان می دهند که قلمروهای تسخیر شده در امتداد مرز بابل و ایلام یا در خوزستان قرار داشتند. دلیل مستقیمی وجود ندارد مبنی بر این که آشوریان طی این لشکرکشی به مناطق کوهستانی ایلام رخنه کرده باشند (واترز، ۱۳۹۱: ۱۳۶).» «مهاجمان به پای دروازه های ماداکتو رسیدند و بل.ابنی اکنون به شمال انتقال کرد و دستور داد تا همه خزائن او را به نینوا ببرند و اصرار ورزید که اگر از آشور آذوقه نیاورند، هزار اسیری که گرفته از گرسنگی خواهند مرد. همین اسرا موضوع نامه دیگری را می ساختند که در آن بل.ابنی اعتراف کرد که مایل است از فرماندهی فعال سپاه کناره گیری کند. وی از هوبان.شیبار، شنید که اعیان و بزرگان ایلام دل هایشان برگشته است و اکنون مایل به تسلیم نابو.بل.شوماته هستند. پیام گزاران آن ها در ماداکتو به او رسیدند و از ویران سازی سراسر ایلام به خاطر يك نفر کلدانی زبان به اعتراض گشودند... از این سازش پیشنهادی نتیجه ای به دست نیامد؛ و بل.ابنی بنا بر فرمان های سربه مهری که از پیش آشور.بانی پال رسید، از ماداکتو به پیشروی در دره کرخه ادامه داد. فهرست شهرهای گشوده، که نامشان در کتیبه های شاهی آمده،

می‌توانستند ناقص و بی‌اندام سازند و بل.ابنی آن را در نمک نگهداشت و به آشور فرستاد با این خبر که شهرهای ایلام (شوش)، آرام و در فرمان او هستند (کمرن، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

«هوبن.هلتش، پس از آنکه به مدکتو بازگشت و از قرار معلوم پیش از آنکه به جنوب بگریزد، گروهان‌های خود را به علت تحویل ندادن نبو.بل.شوماتی به آشور سرزنش کرد، زیرا آن اقدام از حمله در حال جریان جلوگیری می‌کرد. با مرگ اومخولومه، که ظاهراً یکی از مهم‌ترین حامیان نبو.بل.شوماتی، بود، موقعیت نبو.بل.شوماتی، مخاطره‌آمیز شده بود. افرادی ایلامی که اومخولومه از سوی آن‌ها جیره‌هایی برای نبو.بل.شوماتی، فرستاده بود، او را بازداشت کرده، نزد هوبن.هلتش، بازگرداند و او وی را آزاد نکرد. بل.ایینی مطمئن بود که نبو.بل.شوماتی، فرار نمی‌کرد. آشور.بنی‌پال، هوبن.هلتش را در صورتی که نبو.بل.شوماتی تحویل داده نمی‌شد، به عذاب بیشتر تهدید کرد (واترز، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

جنگ ششم به‌طور رسمی در اواخر پاییز سال ۶۴۶ پ.م، آغاز شد و سپاه آشور به فرماندهی بل.ایینی، همه‌گستره ایلام را در یک جنگ ۵۵ روزه، درنوردید و طولی نکشید که به همه خواسته‌های خود رسید.

«هوبن.هالتاش از این فرصت برای بازگشت از دژهای مرکزی بهره‌برداری کرد و فرمانروای دست‌نشانده‌ی آشور شتابان به آشور گریخت. بل.ابنی می‌دانست که هوبن.هالتاش در ماداکتو، باری دیگر بیهوده به رعایایش اصرار می‌کند که لازم است نابو.بل.شوماته، را تسلیم کنند. چون به پند او اعتنایی نگردید، غارت ایلامیان و آرامیان همچنان ادامه یافت. در این هنگام کاسه‌ی شکیبایی آشور به‌کلی به‌سرآمد و زمینه برای فرود آوردن ضربه نهایی که یک‌بار برای همیشه به استقلال پادشاهی ایلام پایان دهد آماده گردید (کمرن، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

«در سال ۶۴۶ پ.م، آشور.بنی‌پال پورش دیگری را به سوی ایلام به راه انداخت. هومبان.هلتش سوم دوباره از مدکتو گریخت و به دور.اونتش (چغازنبیل امروزی) رفت. سپاهیان آشوری از سوزیانا گذشتند و به دنبال پادشاه ایلام

دست‌نشانده آشور در شوش، توسط ایلامی‌ها و یا به دلیل اعتراض به آشوریان برای تجاوز و غارت ایلام، توسط پادشاه آشور، از تخت به زیر کشیده شد، بنابراین جنگ ششم (آخرین جنگ) آشور.بنی‌پال، بر ایلام آغاز شد.

«آشور.بنی‌پال که از نتیجه ناقص این جنگ ناراضی بود؛ برای بهانه مجدد، تاماریتو، خائن را به ایلام فرستاد و از خوم‌بان.کالداس رد بت نانا و کلدانی‌های مزبور را خواست و چون برای پادشاه ایلام قبول این تقاضا با مرگ برابر بود، از رد آن‌ها امتناع کرد. آشوری‌ها وارد شوش شده و هرچه دلشان خواست کردند، ثروت و بت‌های معابد ایلام را به نینوا بردند، مردم را کشتند و استخوان شاهان ایلام و سرداران را از گور بیرون آورده، به نینوا فرستادند (مشکور، ۱۳۶۳: ۱۳۵).

«هوبن.هلتش پس از اغتشاشی که به واسطه لشکرکشی نخست پدید آمد، پایگاه قدرت خود را حفظ نمود و در زمانی پیش از آغاز لشکرکشی دوم آشور بر ضد وی، به مدکتو بازگشت (واترز، ۱۳۹۱: ۱۴۰).

«هوبن.هالتاش... به ماداکتوی ویران، بازگشت و تمایلش را به تسلیم کردن نابو.بل.شوماته که اکنون تحت‌الحفظ بود، به بل.ابنی ابلاغ کرد. سردار آشور نمی‌دانست که چگونه عمل کند و پیشنهاد کرد که وی مستقیماً با آشور.بنی‌پال تماس بگیرد. هوبن.هالتاش این پیشنهاد را پذیرفت؛ هیچ‌چیزی نمی‌توانست روشن‌تر از روش او در تاریخ‌گذاری نامه، که در بیست‌وششمین روز از ماه تموز که به نام نابو.شار.آهه‌شو، نامگذاری گردیده نوشته شده، چالوسی او را نشان دهد. وی تمایلش را به تسلیم کلدانی اعلام و پیشنهاد می‌نماید که آشور و ایلام علیه مارتنای، که در لاهیرو شکسته شده بود، دست به حمله مشترک بزنند. آشور.بنی‌پال چنان مهربانانه و مؤدبانه این پیام را پذیرفت که با شگفتی در میان آرامیان اعلام گردید که: شاهان با یکدیگر در صلح و سازش به سر می‌برند. آنگاه پیک‌های آشور برای به دست آوردن نابو.بل.شوماته، به ایلام شتافتند؛ اما با این همه در مقصود خویش ناکام ماندند، زیرا پیش از آنکه آن‌ها در رسند، کلدانی که دیگر دست از جان شسته بود خود را کشت. اما پیکر او را هنوز

«آشور.بانی پال، خشمگانه در بازگشت به آشور مبادرت به ویرانی ۲۹ شهر ایلامی از جمله مدکتو و شوش کرد. تشابه نخستین شهرهای یادشده در گزارش و آنهایی که در نامه‌ای از بل.ایینی مبنی بر تصرف آن‌ها به‌وسیله سپاهیان آمده، بیانگر این است که هر دو نیروی آشوری مهاجم از شمال غرب و جنوب غرب در این عمل دخالت داشته‌اند. گرچه سپاه تحت فرماندهی آشور.بانی پال، به‌روشنی به شکست اومندلش و انتصاب تمریتو دوم، تمایل بیشتری داشتند، ظاهراً اشتیاق اصلی بل.ایینی ادامه حملات پیاپی ایلامیان در باتلاق‌های غربی و به نتیجه رساندن تعقیب طولانی برای دستگیری نبو.بل.شومت، بود. درواقع چهارمین حمله آشور.بانی پال به‌طرز نامعلومی پایان یافت. تمریتو دوم، منصوب و سپس از مقامش برکنار شد و کسی جانشین وی نگشت. به‌رغم ویرانی بیش از ۲۴ شهر و به چنگ آوردن غنائم انبوه، سپاه آشور.بانی پال، ایلام را به اومندلش واگذار کرد که می‌توانست از پناهگاهش بازگردد و بار دیگر بر مدکتو فرمان براند (پاتس، ۱۳۹۱: ۴۴۰).»

«آشور.بانی پال به تسخیر شهرهایی در ناحیه هوهنور، در مرز هیدلو (هیدلی) و ویران کردن ناحیه بشیمه، اشاره نموده. متون باروی تخت جمشید نشان می‌دهند که هیدلو بر سر راه شوش به تخت جمشید قرار داشت (واترز، ۱۳۹۱: ۷۱).»

«در طول حمله دوم (۶۴۶ ق.م)، هومبن.هلتش سوم به دور.اوتنتش، نقل مکان کرده بود و استحکامات دفاعی در ساحل دز (سمت چپ) بنا کرده بود. آشوری‌ها با اشکال بسیار زیاد از رودخانه گذشتند و هومبن.هلتش به کوه‌ها فرار کرد. این شکست سهمگین‌تر از فروافتادن تمامی شوشن (شوشان) در دست دشمن بود؛ درعین حال این شکست موجب پیشروی بسیار زیاد آشوری‌ها در انشان تا حدود هیدلی و بشیم و تا مسافتی دورتر در شرق در طول جاده نظامی میان شوش و پرسپولیس شد. این پیشروی نتیجه مهمی داشت؛ شاه پارس در این زمان کورش اول بود که جانشین پدرش شده بود و پدر بزرگ کورش کبیر بود. او پیش سرکردگان آشوری آمد و از وفاداری‌اش به آشور.بانی پال، به آن‌ها اطمینان داد و برای اثبات آن پسر ارشدش

به‌سوی کوه‌های شرق روانه شدند و در میانه راه بازمانده پایگاه‌های سیاسی ایلامی را نابود ساختند... آشوری‌ها در بازگشت از شرق خوزستان، دست کم شوش را به چنگ آوردند. آن‌ها با درنده‌خویی شگفت‌انگیزی، که همانند آن در دیگر گزارش‌های آشوری کمتر دیده می‌شود، شوش را غارت کردند (استولپر، ۱۳۸۹: ۱۰۲).»

«بل.ایینی که باری دیگر مهاجمان را رهبری می‌کرد، نخست بر راشی در شمال، که فرمانروای آن ایلمایی نشان داده بود که وفادارتر از بسیاری دیگر نیست، فرود آمد. آنان پیروزمندانه به بیت.ایمبی و هامانو درآمدند و به کلی ویرانشان کردند. هوبان.هالتاش ماداکتو را ترک گفت و با مادر، همسر و خانواده‌اش به‌قصد رسیدن به تالاه از رودخانه اولای، گذشت. دو تن از کارگزارانش که جداگانه با بل.ایینی، هوبان.شیبار و اوندادو، در تماس بودند به‌قصد گردآوردن متحدانی رهسپار ناحیه هیدالو گردیدند. آشور.بانی پال در کتیبه روی منشور خود لشکرکشی را رهبری می‌کند. بیت.ایمبی را به دست می‌آورد و ایلامیان را ناگزیر می‌سازد که به دور اونداسی، عقب نشسته از رودخانه ایدیده بگذرند... مهاجمان در پی گرفتن بیت.ایمبی سراسر سرزمین راشی را به باد غارت دادند، بیت بوناکو، هارتابانو و توبا، همه به دست ایشان افتادند و آنان باری دیگر رهسپار دره کرخه گردیدند. مهاجمان، ماداکتو و هالتاماراش (هلت‌مش) را به تصرف درآوردند و به شهر بی‌محافظ شوش و شهرهای مجاور آن (دین‌شاری، سومون‌تونا، پیدیل‌ما، بوبیلو و کاییناک (کینک) در آمدند. اکنون لشکرکشی ابعاد بلندپروازانه‌تری به خود گرفت. هوبان.هالتاش از کشتن یک فراری چشم پوشید. موقعی را که بر کران رودخانه‌ی ایدیده داشت به او پس داد و به هیدالو بازگشت. در پی او بل.ایینی نیز بدانجا رفت. زیرا می‌دانست که آن سرزمین بر پادشاه خود شوریده بود. بانو و حوزه‌ای از شهر بشیمو به دست آشوریان، که اکنون به کنار دروازه پارسوماش به فاصله بیش از ۲۵۰ مایلی به مسافت ۱۲۰ ساعت راه در ناحیه کوهستانی رسیده بودند، غارت گردید و در اینجا تعقیب ایلامیان متوقف شد (کمرون، ۱۳۸۷: ۱۵۳).»

ولی به این علت که هراسان بود، همراه با خانواده‌اش مدکتو را ترک نموده و به سمت جنوب به آن سوی رود اولایه به تلخ، گریخته است. بل. ایینی ادامه داده است که اومنشیر، اوندو (مأمور زلیبری) و گروهان‌های آن‌ها با نقشه‌هایی برای اقامت در خوخن (هوهنور) یا هیدلو در حال فرار به شوهری، سونگور هستند (واترز، ۱۳۹۱: ۱۴۱)».

«وقتی فاتح به راه خود رفت، سکوت گورستان بر سرزمین درهم‌شکسته حاکم شد. طبق تورات (کتاب عزرا، باب ۴، آیات ۹-۱۰) آشور. بانی‌پال، شوشی‌ها و ایلامی‌ها را به سامره در فلسطین برد، شوش متروک شد. در يك رویدادنامه می‌خوانیم: جغد بر خرابه‌ها کوکو، می‌کرد. شاه هومبن. هلنش سوم، کوشید خود را در کوهستان‌های شمال شوش تثبیت کند و شهر مخروبه مدکتو (ماداکتو) را به عنوان پایتختش برگزید. در تلاش برای بهبود روابطش با آشور. بانی‌پال، پیشنهاد کرد که یکی از پسران مروداخ. بلدن را، که قبلاً شاه بابل بوده، به او بسپارد، اما وقتی سفیران آشوری شاه بل. ایینی، در ۶۴۵ ق. م، به ایلام آمدند تا این گروهان را ببرند، بابلی نگویند بخت به زره‌دار خود دستور داد که او را بکشد. سرکرده آشوری جسد او را در نمک پیچید و برای سرور خود به نینوا فرستاد، اما با وجود تسلیم، هومبن. هلنش سوم، بازی را تا آخر باخته بود (هینتس، ۱۳۸۸: ۱۴۶)».

«پس از شکست ایلام از آشور و تسلیم شدن هومبان. هالتاش سوم (آخرین پادشاه ایلام) ماجرای غم‌انگیزی در انتظار پادشاه ایلام و سایر سرکرده‌ها، اشراف و سرداران ایلامی بود چه اینکه آنان به فجیع‌ترین صورت تحقیر و تبعید شدند. «بر اثر اغتشاش‌های داخلی هومبن. هلنش مجبور شد به لرستان شمالی بگریزد که در آنجا توسط جنگجویان بومی الی‌پی دستگیر شد و به احتمال قوی در ۶۴۴ ق. م، به آشور. بانی‌پال، تحویل داده شد. وقتی به نینوا رسید، او و عموزاده‌اش تمریتو (تاماریتو) دوم و دیگر فرمانروایان اسیر مجبور شدند ارا به پیروزی شاه آشوری را تا معبد الهه ایشتر، که در آنجا آشور. بانی‌پال، جشن‌های سال جدید را افتتاح می‌کرد، بکشند. از سرنوشت بعدی این آخرین پادشاه ایلام، خبری نیست (هینتس،

اریوک (آریوکا) را به عنوان گروگان به دربار نینوا فرستاد. پارس‌ها هیچ تمایلی به عقب انداختن سقوط ایلام نداشتند چراکه سقوط آن چندان بی‌فایده نبود (هینتس، ۱۳۸۸: ۱۴۵)».

«آشور. بانی‌پال با وجود همه ویرانی‌ها و غارتگری‌ها در این حمله بازهم نتوانست اومندش را که به شهر ویران مدکتو بازگشته بود، دستگیر کند و در آنجا قاصدی از سوی پادشاه آشور با درخواست استرداد دشمن قدیمش (نبو. بل. شومت) به نزد وی رفت. شورش کلدای و سپردار او با شنیدن این درخواست همدیگر را کشتند. گویا این را به کنده‌شدن پوست و بریده‌شدن سرشان به دست آشوریان، ترجیح دادند و اومندش از بیم نارضایتی آشور. بانی‌پال جسد نبو. بل. شومت را به همراه سرسپردارش در نمک پیچید و به قاصد آشوری داد. آشور. بانی‌پال به محض رسیدن به نینوا، دستور داد سر نبو. بل. شومت را ببرند و آن را دور گردن پائه (یکی از هم‌پیمانان برادر شورش‌اش) آویختند که گفته می‌شود برادر وی پیش از اینکه همراه با ساکنان تعداد زیادی از شهرک‌ها و شهرهای ایلامی به آشور فرار کند، هم‌زمان با اومندش بر ایلام حکومت می‌کرد و دیری نپایید که این گروه وارد سپاه آشوری شدند (پاتس، ۱۳۹۱: ۴۴۳)».

«آشوب داخلی در ایلام پس از غارت شوش، ادامه یافت و این امر را به عنوان عاملی محتمل در فرار پئه، نباید نادیده گرفت. حتی پس از لشکرکشی دوم بر ضد هومبن. هلنش مسئله نبو. بل. شوماتی، همچنان بایست حل می‌شد. آشور. بنی‌پال، پیکی به نزد هومبن. هلنش سوم، فرستاد و خواستار تحویل دادن نبو. بل. شوماتی، گردید. این بار نبو. بل. شوماتی، ظاهراً از هیچ حمایتی برخوردار نبود و او و ملازمان شخصی‌اش یکدیگر را به قتل رساندند. هومبن. هلنش از ترس، جسد را به آشور. بنی‌پال، تحویل داد و او خشمناک جسد را مورد توهین قرار داد. سر نبو. بل. شوماتی، را به دور گردن نبو. قاته. صبت، که به عنوان یکی از مأموران شمش. شوم. اوکین شناخته شده است، آویختند... بل. ایینی گزارش داده است که هومبن. هلنش، فرار کرده، اما بعد برای دستیابی به تاج و تخت بازگشته است،

پایان دومین لشکرکشی قرار داده، هرچند سالی ارائه نشده (واترز، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

به نظر می‌رسد، آنچه بیش از هر عامل دیگری باعث تهاجم آشور به ایلام شد، تحقیر آشور و بین‌النهرین توسط پادشاهان پیشین ایلام، با حملات بی‌دری، غارت، چپاول و به اسارت گرفتن مجسمه خدایان و سایر تندیس‌های مقدس آنان بود و به همین سبب است که وقتی آشوریان بر ایلام چیره می‌شوند افزون بر ویرانی، قتل و غارت، بر تحقیر ایلام به‌هرگونه، اصرار می‌ورزند.

۱۱. ویرانی شوش و پایان شاهنشاهی ایلام

گرچه شاهنشاهی ایلام در بین سال‌های ۶۴۵-۶۴۰ پ.م، با ویرانی پایتخت‌شهر شوش و دیگر شهرهای ایلامی، به پایان رسید ولی ایلام در پسا‌شاهنشاهی تا چند سده بعد، به حیات سیاسی خود ادامه داد. ویرانی شوش توسط سپاهیان آشوری، می‌تواند مهم‌ترین رخداد تاریخی ایلام و شهر شوش باشد، چه‌اینکه از آن پس، دیگر ایلام در قامت یک شاهنشاهی خودنمایی نکرد.

«مدت زیادی از بازیابی کنترل بر بابل نگذشته بود که آشور خود را در جنگی دیگر با ایلام یافت. این بار آن کشور تمامی فشار عنان‌گسیخته‌ی آشور.بانی‌پال را احساس کرد، چراکه سپاهیان او به قلب آن سرزمین تاختند و با یک ویران‌سازی مفرط و دهشتناک، آن را به معنای واقعی کلمه از پهنه‌ی زمین محو کردند بدین‌ترتیب رقابت سه‌هزارساله بین ایلام و مردمان بین‌النهرین به‌طور ناگهانی و برای همیشه پایان یافت. شگفت آن که این رخداد مهم نقطه عطف بزرگی برای امپراتوری آشور و آغاز پایان ناگهانی و نهایی خود آن نیز شد (ناردو، ۱۳۹۰: ۷۸).

«پادشاه آشور به ایلام حمله برد و ضمن پیشرفت سرزمین‌ها را به خاک و خون کشید. شوش در آن زمان در نتیجه‌ی طغیان رود از حمله برکنار ماند، ولی سربازان آشوری موفق به عبور از آن شدند و آن در اختیار مهاجمان قرار گرفت. آشور.بانی‌پال، پس از تصرف آن شهر تصمیم گرفت قدرت شوش را در هم شکند. وی نه تنها خزائن معابد را تهی کرد و خزائن قصر را با خود برد، بلکه به آرامگاه‌های

(۱۳۸۸: ۱۴۶). «پائنه، اوملندش و تمریتو، در سال ۶۴۵-ق.م، به دنبال پیروزی‌های آشور.بانی‌پال بر اعراب، در جشنی، که در نینوا برپا شده بود، وادار به کشیدن ارابه آشور.بانی‌پال، شدند و بدین‌ترتیب در برابر آشوریان خوار گشتند (پاتس، ۱۳۹۱: ۴۴۳).

«لشکرکشی‌های مخرب آشور در دهه ۶۴۰ به‌سادگی می‌توانست ایده فروپاشی کامل دولت ایلام به همراه شهر سلطنتی آن (شوش) را نشان دهد که در سال‌های ۶۴۷-۶۴۶ ق.م، به آخرین روزهای خود می‌رسید. تصویرسازی‌های قوی و جزئیات هولناک سالنامه آشور.بانی‌پال، در واقع تا حد زیادی به این تصور قوت می‌بخشد. می‌توان به غارت وحشیانه و تخریب شوش یا ماجرای شخصی شاه ایلام (هوبن.هلتش) سوم، اندیشید که در قطعه‌ای تکان‌دهنده توصیف شده است: او از کوه‌ها بازگشت، مکانی که پناهگاهش بود و به مدکتو (ماداکتو)، شهری که من به فرمان آشور و ایشتار ویران، تاراج و غارت کردم، وارد شد و مقر ماتم‌زده خود را (در آن) مکان ویران برقرار کرد (هنکلن، ۱۳۹۸: ۲۷).

به‌هرروی، پس از رخدادهای فراوان میان آشور.بانی‌پال و ایلام، که شش جنگ کامل در درون داشت، پیروزی نهایی از آن آشور بود، چه اینکه به همه اهداف و خواسته‌های خود دست یافت. در سبب وقوع این جنگ‌ها، آمده است: «اینکه چه چیزی مسبب این حمله گردید؟ عوامل متعددی دخیل بود، به‌خصوص حمایت مداوم ایلام از بابل همراه با ستیز مستقیم ایلام با آشور. یک پیامد جنبی این امر یعنی حمایت صورت‌گرفته از نبوبل.شوماتی و امتناع یا ناتوانی ایلام از تحویل دادن او فقط آشور.بانی‌پال را خشمگین‌تر ساخت. در حقیقت، نامه‌هایی از این دوره تأکید باورنکردنی بر دستگیری نبوبل.شوماتی گریزپا را آشکار می‌سازند. این خنثی کردن ممکن است بزرگ‌ترین نقش را در منابع مربوط به آن زمان ایفا کرده باشد اما ستیز طولانی ایلام و آشور زمینه‌ساز همه این‌ها بود. بازگشت مجسمه خدای نینیه به اوروک پس از ۱۶۳۵ سال که در ایلام بود، پایان لشکرکشی را معین کرد... تاریخ بازگشت نینیه به روز یکم ماه کیسلیمو (ماه نهم) قرار داده شده. این امر حدی گاه‌شناختی برای

برمی‌آید که گویا آشور.بانی‌پال، پس از پیروزی در شوش بوده است: من خزائن ایشان را گشودم، خزائنی که مملو از طلا و نقره بود، غنائم و ثروت‌هایی که توسط شاهان پیشین ایلام تا آخرین نفر گردآوری شده بود، به‌جز من هیچ فاتح دیگری بر آن‌ها دست نیافته بود (هینتس، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

«گنجینه‌ها و تاراج گسترده آشور مشتمل بوده است بر پارچه، زیورآلات، نشان‌های سلطنتی، اسلحه و همه وسایل قصر سلطنتی که شاه روی آن‌ها می‌نشست یا می‌خوابید، ظروفی که برای غذا به کار می‌برد، ظروفی برای شستشو و استحمام، ارابه‌های پیروزی و جنگی که با طلا و کهربا زینت شده بود، اسب‌ها و قاطرها با یراق‌آلات طلایی و نقره‌ای‌شان و همه این‌ها را من به آشور بردم. در کتیبه آشور.بانی‌پال، می‌گوید، چگونه معابد و باغ‌های شوش را نابود کرده و قبرهای شاهان ایلامی را برهم زده: در طول يك لشکرکشی که پنجاه‌وپنج روز طول کشید، من این سرزمین را به برهوت تبدیل کردم، روی چمنزارهای آن نمک و بته خار پراکندم. همسران و دختران شاهان ایلام از خانواده‌های قدیم و جدید، فرمانداران شهر، فرماندهان، تمامی افسران از جمله مهندسان، همه ساکنان، چه مرد و چه زن، جوان یا پیر، اسب‌ها و قاطرها، الاغ‌ها، رمه‌های بزرگ و کوچک بی‌شمارتر از يك گله ملخ، همه این‌ها را من به آشور انتقال دادم (هینتس، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

آشور.بانی‌پال، نابودی و غارت شوش و پایان شاهنشاهی ایلام را با تبختر و خودخواهی فراوان، چنین گزارش کرده است: «من شوش، شهر بزرگ مقدس، جایگاه خدایان و محل اسرار آن‌ها را به خواست آشور و ایشتر، فتح کردم... در گنج‌هایش را، که در آن زر و سیم و مال فراوان بود، گشودم... تمامی طلا و نقره و ثروت سومر، اکد و کاردونیاش (بابل) را، که شاهان پیشین ایلام، در آن گرد آورده بودند، آن‌ها را به‌عنوان غنیمت جنگی به سرزمین آشور آوردم. من زیگورات شوش را که از آجرهایی با سنگ لاجورد لعاب داده شده بود، من تزیینات بنا را، که از مس صیقل‌یافته، ساخته شده بود، شکستم. شوشینک خدای اسرارآمیز، که در مکان‌های اسرارآمیز اقامت دارد و

پادشاهان اهانت کرد و خرابکاری خود را با ایجاد حریق تکمیل نمود. شوش بدین ترتیب غارت و ویران شد و در خود بابل آشور.بانی‌پال، تا زمان مرگ بر سر کار باقی ماند (کینگ، ۱۳۸۶: ۲۶۲).

«در متن‌های به‌دست‌آمده از آشور.بانی‌پال پیروزمندانه جزئیات تاراج و چپاول پرستشگاه‌ها، نابودی بیشه‌های مقدس و آرامگاه‌های شاهی، به اسارت گرفتن پیکره خدایان ایلامی، فرستادن سنگ‌های یادمان ایلامی به آشور، افشاندن نمک روی زمین‌های کشاورزی و کوچاندن همگانی، به غنیمت گرفتن چهارپایان اهلی و حتا بردن قله‌سنگ‌ها از مکان‌های نابودشده، گزارش داده شده است (استولپر، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

«آشور.بانی‌پال، وارد کاخ‌های ایلامی شد، خزانه‌های آن‌ها را گشود، غنائمی را که پادشاهان پیشین ایلام از سومر، اکد و بابل گرفته بودند و همه چیزهایی را که شمش.شوم.اوکین، پیش از آن برای جلب وفاداری ایلامیان به آن‌ها داده بود، از قبیل: جواهرات، لباس، ارابه، اسب، ظروف طلا و نقره را به چنگ آورد. او همه خدایان و الهه‌های ایلام را همراه با گنجینه، دارایی‌ها، اسباب و وسایل آیینی و کاهنان آن‌ها، همچنین پیکره‌های طلایی، نقره‌ای، مفرغی و آهنی آنان به دست آورد و به غنیمت به آشور برد. سپاهیان، گورهای شاهان پیشین را گشودند و ویران کردند و استخوان‌های آن‌ها را نیز به آشور بردند. این ویرانی یک ماه و بیست‌وپنج روز به‌طول انجامید. آشور.بانی‌پال، دقیقاً می‌گوید که زیگورات شوش را ویران کرد و شاخ‌های مفرغی براق آن را شکست (پاتس، ۱۳۹۱: ۴۴۲).

«آشوری‌ها خرابی و حشتناکی به بار آوردند. در اواخر پائیز ۶۴۶ ق.م، پایتخت که تا آن زمان از حمله مصون مانده بود، سقوط کرد... کاربرد ضمیر اول شخص، در گزارش به معنای آن نیست که او خود آشور.بانی‌پال، شخصا در جنگ‌های علیه ایلام شرکت کرده، گرچه با این همه می‌نویسد: در بازگشتم از انشان بر شوش غالب شدم، شهر بزرگ و مقدس مکان خدایان دشمنان من، من قصرهای ایشان را اشغال کردم و در آنجا راحت ماندم. از این گفته

و صنعتگران، همه را با خود به اسیری به آشور آوردم؛ مردم آن سرزمین، از زن و مرد، را با اسب و قاطر و الاغ و گله‌های چهارپایان کوچک و بزرگ، که شمار آن‌ها از دسته‌های ملخ فزون‌تر بود، به غنیمت‌گرفتم؛ خاک شوش و مدکتو و هلمتاش و شهرهای دیگر را به آشور کشیدم. در ظرف مدت ۱ ماه، تمام ایلام را به تصرف درآوردم و بانگ آدمیزاد و اثر پای گله‌ها و چهارپایان و نغمه شاد را از مزارع برانداختم و همه‌جا را چراگاه خران و آهوان و جانوران وحشی گوناگون ساختم (دورانت، ۱۳۴۳: ۱، ۳۹۶)».

«حزقیل پیغمبر، در تورات درباره سقوط ایلام گوید: این است ایلام و تمام جمعیت آن در اطراف قبرهای آنان، همگی کشته شدند و همه از دم شمشیر گذشتند! باری مجسمه نانا (رب النوع ارخ) را که ۱۶۳۵ سال در تصرف ایلامی‌ها بود، آشوری‌ها به شهر ارخ بازفرستادند. خوم‌بان. کالداش که گریخته بود دستگیر شد و آشور. بانی پال منت‌های کامیابی خود را در این دید که او و تماریتو، را که پادشاه سابق ایلام بود با خوم‌بان. کالداش به عرابه خود بندد و مجبورشان کرد که عرابه سلطنتی را تا معبد آشور و ایشتار بکشند (مشکور، ۱۳۶۳: ۱۳۵)».

«مدت کمی بعد از آنکه صدقیا پادشاه یهودا شد، خداوند متعال درباره کشور ایلام به من چنین گفت: من تمام کماندانی را که چنین قدرتی به ایلام داده‌اند خواهم کشت. بادها را از تمام جهان علیه آن‌ها می‌وزانم و مردم آن را در همه‌جا پراکنده خواهم کرد. به‌طوری‌که جایی در جهان نخواهد بود که پناه نبرده باشند. من مردم ایلام را از دشمنانشان که درصدد کشتن آن‌ها هستند هراسان خواهم ساخت. در غضب خودم مردم ایلام را از بین می‌برم و سپاهیان را در تعقیب آن‌ها می‌فرستم تا همه‌ی آن‌ها را نابود کنند. من پادشاهان و رهبران آن‌ها را از بین خواهم برد و تخت خود را در آنجا قرار خواهم داد. اما بعدا من رفاه و کامیابی را دوباره به مردم ایلام باز می‌گردانم. من، خداوند چنین گفته‌ام (تورات، ارمیا، ۱۳۸۱: ۸۲۲)».

«تندیس‌های نخستین پادشاه ایلام جدید، هوبان. نوگاش، پسر هوبان. تاهراه، جانشینان شوتروک. ناخونته دوم و هالوشو و نیز — شگفت آنکه —

هیچ‌کس ندیده است که او چگونه خدایی می‌کند، سومودو، لکمر... این خدایان و این الهه‌ها را با زینت‌آلاتشان، ثروتشان... به سرزمین آشور آوردم... پیکره گاوهای نر وحشتناکی را که زینت‌بخش درها بودند، از جا کردم. معابد ایلام را با خاک یکسان کردم و خدایان و الهه‌های آن را به باد یغما دادم. سپاهیان من به پیشه‌های مقدس آنان، که تا آن هنگام هیچ بیگانه‌ای از کنار آن‌ها گذر نکرده بود، گام نهادند، اسرار آن را دیدند و به آتش کشیدند. من قبور شاهان قدیم و جدید آن را... ویران و متروک کردم، اجساد آن‌ها را در معرض آفتاب قرار دادم و استخوان‌های آنان را به سرزمین آشور آوردم... من در مدت یک ماه و بیست‌وپنج روز راه، سرزمین ایلام را به بیابان ویران و لم‌یزرعی تبدیل کردم. من در روستاهای آن نمک و سیل‌هو کاشتم. من دختران شاهان، همسران شاهان، همه خانواده‌های قدیم و جدید شاهان ایلام، شهربانان، شهرداران شهرها... تمامی متخصصان ساکنان مرد و زن... چهارپایان بزرگ و کوچک را، که تعدادشان از ملخ بیشتر بود، به‌عنوان غنیمت جنگی به سرزمین آشور روانه ساختم... الاغ‌های وحشی، غزال‌ها و تمامی جانوران وحشی از برکت وجود من در خرابه‌های آن به آسودگی خواهند زیست. آوای انسان، صدای سم چهارپایان بزرگ و کوچک، فریادهای شادی، به دست من از آنجا رخت برپست (مجیدزاده، ۱۳۹۲: ۱، ۳۳۶)».

«خاک شهر شوشان و شهر ماداکتو و شهرهای دیگر را تماما به آشور به توپره کشیدم و در مدت یک ماه و یک روز کشور ایلام را به‌تمامی عرض آن جاروب کردم. من این کشور را از عبور حشم و گوسفند و نیز از نغمات موسیقی بی‌نصیب ساختم و به درندگان و مارها و جانوران کویر و آهوان اجازه دادم که آن را فرو گیرند (مشکور، ۱۳۶۳: ۱۳۵)».

منشی آشوری ویران کردن ایلام را به دست آشور. بنی پال، از زبان خود او چنین نقل می‌کند: «من از شهرهای ایلام آن‌اندازه ویران کردم که برای عبور از آن‌ها ۱ ماه و ۲۵ روز وقت لازم است. همه‌جا (برای بایرکردن زمین) نمک و خار افشاندم؛ شاهزادگان و خواهران شاهان و خاندان سلطنتی را، از پیر و جوان با رؤسا و حکام و اشراف

شورش‌ها و درگیری‌های داخلی در مقیاسی گسترده‌تر از آنچه آشوریان در گذشته تجربه کرده بودند، امپراتوری‌شان را در کام خود فرو برد (ناردو، ۱۳۹۰: ۷۹)».

از آنچه آمد، چنین برمی‌آید که ویرانی شوش موجبات پایان شاهنشاهی ایلام را فراهم آورد و حدود ۵ سال پس از سقوط شوش، به طور کامل بنیاد این شاهنشاهی فرو ریخت، چنانکه در مورد آشور نیز چنین است: هفت سال پس از سقوط نینوا (پایتخت آشور) در ۶۱۲ پ.م، شاهنشاهی آشور در ۶۰۵ پ.م به پایان رسید.

۱۲. نتیجه‌گیری

آشور.بانی‌پال، نزدیک به ۲۵ سال با ایلامی‌ها در جنگ و کارزار بود و در نهایت، شاهنشاهی ایلام را پس از شش جنگ تمام عیار، برانداخت. چنانکه پیداست این دوران، همانند سایر دوره‌های مناسبات ایلام و آشور، با جنگ، کشتار، غارت، ویرانی، اسارت، تبعید، زندان، خشونت، ظلم و ده‌ها واژه قلم‌آزار دیگر، آمیخته بود و نتیجه آن شد که شاهنشاهی ایلام، از پای درآمد. گرچه شاهنشاهی ایلام به پایان رسید و زان‌پس در شکل یک دولت محلی خودنمایی می‌کرد ولی دیری نپائید که بعد از یک دهه، شاهنشاهی قدرتمند و جهان‌شمول آشور رو به افول نهاد و پس از حدود ۳۵ سال، به کلی از تخت شاهنشاهی برافتاد و به تاریخ پیوست. این سخن نشان از آن دارد که ایلام و آشور هردو پیر و ناتوان بودند و عمر آن‌ها به پایان آمده بود، چنانکه ایلام بزرگ با تکانش‌های آشور، فرو ریخت و آشور ویرانگر و پیروز به سبب ناتوانی در نگهداشت خود، ویران شد، ضمن آنکه ایلامی‌ها، که اکنون یک دولت محلی به‌شمار می‌آمدند، با حضور پررنگ در اتحادیه‌ی ماد، در سقوط شاهنشاهی آشور، نقش مهمی داشتند.

تندیس تماریتو، که اکنون در نینوا قرار داشتند، به آشور انتقال یافتند. بل.ابنی، تندیس‌های بسیار بزرگی را که از پرستشگاه‌ها پاسداری می‌کردند گرد آورد، گاوهای وحشی خشم‌آلودی را که دروازه‌هایشان را می‌آراستند از جایشان دور ساخت و بفرمود تا همه را از میان ببرند. سربازانش گذرگاه‌های مقدسی را که تا آن زمان پای بیگانه‌ای به آنجا نرسیده بود، زیر پا نهادند و به کام آتش سپردند. به مقابر شاهان گذشته بی‌حرمتی کردند و هدایا و نذورات آن‌ها را به یغما بردند. سربازان آشور مدت بیست‌وپنج روز ایلام را زیر پا نهادند و بر دژهای ویرانشان نمک پراکندند. خاندان شاهی، بالأخص زنان دودمان‌ها را که پادشاهان از آنان زاده می‌شدند، همراه با رؤسای شهری و شهرداری شهرهای گشوده به آشور انتقال دادند، چنانکه صدها تن از سربازان اسیر را با افسران بالادستان (کمانداران، سواران، گردونه رانان و پیادگان) نیز به آشور بردند. آشور. بانی‌پال اعلام کرد که از این‌پس، ویرانه‌ها باید کنام گوران و آهوان و همه جانوران گردد (کمرن، ۱۳۸۷: ۱۵۷)».

ویرانی و غارت شوش که البته با تسخیر و تخریب سایر شهرهای ایلام همراه بود، به منزله پایان شاهنشاهی ایلام به‌نظر می‌رسد ولی ایلام و شوش، نابود نشده و زان‌پس نیز خود را در شکل یک دولت محدود و پادشاهی محلی، نشان داد. «در سالنامه‌ها به نظر می‌رسد که از نابودی کامل سخن گفته شده، اما شوش اصلاً از روی زمین محو نشد. در حقیقت، آنجا سرانجام بیش از نینوا باقی ماند (واترز، ۱۳۹۱: ۱۴۱)».

«در اواخر ۶۳۹ پ.م، همان سالی که ایلام موجودیت خود را از دست داد، گزارش‌های شاهانه آشوربانی‌پال در خاموشی فرو رفت و دوازده‌سال آخر سلطنت او را — دست‌کم از منظر آشور — در تاریکی محض باقی گذاشت. منابع پراکنده خارجی می‌گویند: آمیزه‌ای از تهاجم‌ها،

جدول ۱: مقایسه تطبیقی جنگ‌های ۶ گانه آشور. بانی پال با ایلام

شماره	نام جنگ	زمان (پ.م.)	مکان‌های اصلی	پادشاه (رهبر ایلام)	نتیجه جنگ
۱	جنگ اورتکی	۶۶۹ - ۶۶۴ پ.م.	نواحی نزدیک بابل و شوش	اورتکی (اورتکو)	شکست ایلام؛ مرگ اورتکی و عقب‌نشینی سپاه ایلام
۲	جنگ تل توبا (تولیز)	حدود ۶۶۳-۶۵۳ پ.م.	تولیز (نزدیک شوش)	تئومان (تبتی. هومن)	شکست سنگین ایلام؛ کشته شدن تئومان و تثبیت قدرت آشور
۳	جنگ در	حوالی ۶۵۴-۶۵۳ پ.م.	در (بدره‌ی کنونی در استان ایلام)	هومبان‌نیکاش دوم	پیروزی آشور؛ شکست اتحاد ایلام و بابل
۴	جنگ با تمریتو دوم	حدود ۶۵۳-۶۵۲ پ.م.	مناطق مرکزی ایلام	تمریتو دوم و ایندابی‌بی	سقوط تمریتو و پناهندگی به آشور
۵	جنگ ماداکتو (مدکتو)	۶۴۷ پ.م.	محدوده‌ی مدکتو (سیمره در استان ایلام)	هومبان. هالتاش سوم	شکست ایلام؛ فرار پادشاه ایلام
۶	جنگ شوش (جنگ پایانی)	۶۴۶ پ.م.	شهر شوش و منطقه عمومی شوشان	هومبان. هالتاش سوم	نابودی کامل پادشاهی ایلام؛ ویرانی شوش

منابع

- پاتس، تیموتی‌اف (۱۳۹۷). ایران در اسناد میانرودانی. ارمیا نبی (۱۳۸۱). عهد عتیق: تورات. انجمن کتاب مقدس، تهران: سرخدار.
- حزقیال نبی (۱۳۸۱). عهد عتیق: تورات. انجمن کتاب مقدس، تهران: سرخدار.
- دورانت، ویل (۱۳۴۳). تاریخ تمدن، جلد ۱. مترجم احمد آرام، تهران: اقبال.
- دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ (۱۳۸۶). تاریخ ماد. مترجم کریم کشاورز، تهران: علمی و فرهنگی.
- کورتیس، جان (۱۳۹۲). ایران باستان به روایت موزه‌ی بریتانیا. مترجم آذر بصیر، تهران: امیرکبیر.
- کمرن، جورج گلن (۱۳۸۷). ایران در سپیده‌دم تاریخ. مترجم حسن انوشه، تهران: علمی و فرهنگی.
- اسمیت، سیدنی (۱۳۹۰). عصر آشور. بانی پال: تاریخ جهان باستان کمبریج. مترجم تیمور قادری، تهران: مهتاب.
- اسمیت، سیدنی (۱۳۹۰). آشور. بانی پال و سقوط آشور: تاریخ جهان باستان کمبریج. مترجم تیمور قادری، تهران: مهتاب.
- پاتس، دانیل‌تی (۱۳۹۱). باستان‌شناسی ایلام. مترجم زهرا باستی، تهران: سمت.

- کینگ، لئوناردو (۱۳۸۶). تاریخ بابل. مترجم رقیه بهزادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- مجدزاده، یوسف (۱۳۹۲). تاریخ تمدن بین‌النهرین، جلد ۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۶۳). ایران در عهد باستان (در تاریخ اقوام و پادشاهان پیش از اسلام). تهران: سازمان انتشارات اشرفی.
- ناحوم نبی (۱۳۸۱). عهد عتیق: تورات. انجمن کتاب مقدس، تهران: سرخدار.
- ناردو، دان (۱۳۹۰). امپراتوری آشور. مترجم مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
- نووتنی، جیمز-جفرز، جاشوا (۱۴۰۲). نبشته‌های شاهانه دوره نوآشوری. مترجم سورنا فیروزی، تهران: آرتامیس.
- واترز، متیو دبلیو (۱۳۹۱). پژوهشی در تاریخ ایلام نو. مترجم نادر میرسعیدی، تهران: ققنوس.
- هرودت (۱۳۸۶). تواریخ. مترجم ع. وحید مازندرانی، تهران: دنیای کتاب.
- هنکلمن، ووتر (۱۳۹۸). فرهنگ‌پذیری ایرانیان و عیلامیان. مترجم یزدان صفایی، تهران: حکمت سینا.
- هینتس، والتر (۱۳۸۸). دنیای گمشده عیلام. مترجم فیروز فیروزنیا، تهران: علمی و فرهنگی.

